

خوانش وقفنامه مورخ ۱۲۶۹ ق امام مسجد جامع میبد، از منظر تاریخ‌شناسی شهر و معماری ذات الله نیک زاد^{۱*}

۱. دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

(این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF)، برگرفته‌شده از طرح شماره ۴۰۴۵۰۰۱ انجام‌شده است.)

چکیده

در گذر زمان، از شهر میبد آثار و شواهد شهری و معماری و شهرسازی بسیاری برجای‌مانده که گواهی برای فهم میراث زیسته ایرانیان در دشت کویر محسوب می‌شود. با وجود اهمیت این شهر، در مکتوبات تاریخی نظیر تاریخ‌نامه‌ها اشارات اندک به آن شده است. از این رو اسناد تاریخی مکتوب منتشر نشده برای روشن شدن گذشته شهر و فهم آثار تاریخی می‌تواند راهگشا باشد. در این پژوهش وقف‌نامه‌ای که از سوی امام مسجد جامع میبد به تاریخ ۱۲۶۹ ق نوشته‌شده و املاک خود را وقف بر آثار عمومی و مذهبی کرده معرفی و بازخوانی می‌شود؛ با طرح این پرسش که متن وقف‌نامه محمدالحسینی به چه آثار و اماکنی اشاره دارد و چه نکات تازه‌ای را در شناخت این شهر مطرح می‌سازد؟ با این هدف که وقف‌نامه در جایگاه سند تاریخی شهر و معماری واکاوی شود. با توجه به نسبت موضوع با گذشته و اینکه سند مورد نظر نیاز به موشکافی و تحلیل دارد، پژوهش با «روش تاریخی - تحلیلی» پیش رفت. ضمن خوانش متن سند و احصای اقسام آثار معماری مانند مساجد، قلعه‌ها، خانه‌ها و ساختار و تقسیمات روشن شد که آثار نظیر شهر داخل حصار، محله‌ها، آبادی‌ها، عرصه‌های باغ و رشته‌های قنات، می‌توان تصویری از شهر میبد در دوره قاجاریه به دست داد که با شارستان و بیرونه‌ها و عرصه‌های باغ و کشت‌خوها و زیرساخت‌هایی نظیر قنات تعریف می‌شود. همچنین اطلاعات تازه‌ای از برخی آثار ازمیان‌رفته مانند قلعه بشنیغان و ده آباد به دست می‌آید. در همین حال معلوم می‌شود که گردش امور بناهای خیریه عمومی با اتکای به سرمایه مردمی و سازمان دیرپای وقف پشتیبانی می‌شد و یکی از دلایل پایداری حیات شهرها و روستاها در طول تاریخ مدنی ایران، تعامل و مشارکت پویای مردم در پیشبرد توسعه تاریخی شهر و نگهداری و پشتیبانی از بناها و فضاهای عمومی بوده است.

تاریخ دریافت:

۲۴ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۰۶ خرداد ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

وقف‌نامه،

تاریخ معماری،

تاریخ شهر،

میبد،

دوره قاجاریه.

doi : 10.22034/ahdc.2026.24327.1910

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱- مقدمه

اسناد تاریخی بسیاری از قبیل قبایله‌ها، اجاره‌نامه‌ها، وقف‌نامه‌ها و غیر آن وجود دارد که به شناخت میراث معماری و شهری یاری می‌رساند. در نوشتار حاضر، فرض ذهنی بر این است که اسنادی مانند وقف‌نامه ۱۲۶۹ق امام مسجد جامع میبد، اسناد مکتوبی هستند که هرچند ماهیت حقوقی داشته و به مقصود دیگری در قدیم توسط واقف تنظیم شده‌اند، اما از این‌روی که بر بستر مکانی، املاک و رقبات تدارک دیده‌شده و نقش محیط زندگی در آن‌ها پررنگ است، اطلاعاتی از فضای شهرها و روستاها و اماکن و بناها به دست می‌دهند. هم‌چنین صورتی از تعامل مردم (شهروندان) را با محیط شهری بیان می‌دارند؛ بنابراین در پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد و در توصیف و تحلیل‌ها بهره برد. با طرح این پرسش که متن وقف‌نامه به چه آثاری از میبد اشاره دارد و چه نکات تازه‌ای را در شناخت این شهر عرضه می‌دارد؟ پژوهش با «روش تاریخی - تحلیلی» پیش رفته است. وقف‌نامه محمدالحسینی میبدی که در مورخ ۱۲۶۹ق برای تأمین هزینه‌های بناهای خیریه مانند مسجد و حمام در میبد تنظیم شده، از این‌رو که اشاره به اماکن و فضاهایی از شهر دارد، می‌توان از دریچه تاریخ شهر و معماری به آن نگریست. کم‌مایه بودن اشارات تاریخ‌نامه‌ها درباره میبد، خلأی را پدید آورده که شاید با استخراج اطلاعات تاریخی و معماری اسناد منتشر نشده بتوان بخشی از آن را پر کرد.

اسناد وقف‌نامه‌ای مشهوری از منطقه یزد باقی‌مانده که حاوی اشارات روشنی درباره شهر، روستا، بناها و اماکن دیگر است. عمده موقوفات بر پایه دارایی‌هایی مانند آب قنات، باغات و خانه‌ها تنظیم می‌شدند و جماعت مسلمان و زرتشتی یزدی به این کار همت می‌گماردند. یکی از فصول وقف‌نامه ربع رشیدی از سده هفتم هجری، به موقوفات یزد، از جمله میبد مربوط می‌شود (همدانی، ۲۵۳۶، ۴۶-۱۰۳). جامع‌الخیرات، شرح موقوفات سیدرکن‌الدین و فرزندش سیدشمس‌الدین بر مدارس و ابواب‌الخیر ایشان در سده هشتم هجری است (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۰). وقف‌نامه امیرچقماق و زوجه‌اش ستی فاطمه، دربردارنده موقوفات ایشان بر بناهای خیری است که خودشان در یزد پدید آوردند (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ۸۸۴-۸۷۱). وقف‌نامه دولت‌آباد که به جریان پدید آمدن قنات و باغ و رقبات دیگر محمدتقی‌خان بافقی و وفتیات بر این ساخته‌ها در سده دوازدهم هجری مربوط می‌شود (نابینی، ۱۳۵۳، ۳۴۵-۳۶۲) و وقف‌نامه طراز یزدی (طراز، ۱۳۴۱). وقف‌نامه مسجد و میدان حظیره به تاریخ ۱۲۵۷ق (صدوقی، ۱۳۷۷ق) و موارد بسیاری را می‌توان مثال آورد. در میبد نیز وقف‌نامه‌های بسیاری تنظیم شده که بیشتر در بایگانی‌ها یا نزد خانواده‌ها و اشخاص نگهداری می‌شود و توسط اداره اوقاف صورت‌برداری شده است. برخی از آن‌ها منتشر شده و در دسترس قرار دارند.

پرسش پژوهش

وقف‌نامه محمدالحسینی به تاریخ ۱۲۶۹ق، به چه آثار و اماکنی از میبد اشاره دارد؟
چه نکات تازه‌ای درباره شهر میبد از خوانش وقف‌نامه حاصل می‌شود؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

موضوع پژوهش و سند منبع مربوط به روزگار گذشته است و این‌که با احصاء و تحلیل داده‌های متنی و انطباق با شواهد محیطی و معماری می‌توان به دقایق آن پی‌برد، از این‌رو پژوهش به «روش تاریخی - تحلیلی» کار شده و در بردارنده نتایجی در حوزه تاریخ معماری و شهر است. وقف‌نامه سندی حقوقی است، اما درباره مسائل تخصصی حقوقی بحثی نخواهد شد. یافته‌اندوزی با جستجوی توأمان کتابخانه‌ای و میدانی و تهیه مستندات تصویری و فنی صورت گرفته است. این پژوهش صورتی از سند پژوهشی به شمار می‌رود، زیرا اساس کار با تمرکز بر سندی خاص نهاده است.

۳- پیشینه پژوهش

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، وقف‌نامه‌های مهم یزد چاپ شده و در دسترس قرار دارند. علاوه بر این اسناد ریزودرشت وقف‌نامه‌ای دیگر نیز به‌مرور انتشار یافته است. حیات جاوید، مجموعه اسناد وقفی شهرستان میبد را شامل

می‌شود که صرفاً متن و تصویری از اسناد را دربر می‌گیرد (عرفان‌فر، ۱۳۸۳) که می‌تواند زیردست پژوهشگران قرار گیرد. وقف‌نامه مسجد چهارمنار (خضرشاه) (افخمی و مسرت، ۱۳۹۳) و وقف‌نامه آب‌انبار شش بادگیری به تاریخ ۱۲۷۹ ق (مسرت، ۱۳۸۸) نیز با اندک شرحی انتشار یافته‌اند. دانشورانی به تحلیل وقف‌نامه‌هایی برای روشن ساختن برخی مسائل معماری و شهر پرداختند. اماکن موقوفه اشاره‌شده در وقف‌نامه امیرچقماق و همسرش در یزد و میبد شناسایی شد (ایواتاکه، ۱۳۸۴). شیلا بلر با استناد به وقف‌نامه ربع رشیدی به بازسازی تصویری این مجموعه پرداخت (بلر، ۱۳۸۷). در مقاله‌ای که دو سند مورخ ۱۳۳۴ ق درباره معماری حمام‌های روستاهای گناره و قرق استرآباد معرفی شدند، نویسندگان به ویژگی‌های معماری حمام‌ها، نظیر ترکیب و اجزا و ناگفته‌هایی در این باره پرداختند (قیومی بیدهندی و نظیف‌کار، ۱۳۹۷). وقف‌نامه تاریخ ۱۲۴۷ ق حاجی رجبلی بر مسجد جامع میبد، دربردارنده یافته‌هایی درباره معماری و اماکن مورد اشاره در متن وقف‌نامه است که به مسجد جامع و شهر میبد و دیگر اماکن بازمی‌گردد (نیک‌زاد، ۱۳۹۹). بررسی سند موردنظر این پژوهش دنباله چنین پژوهش‌هایی را برای فهم بیشتر تاریخ شهر میبد و اماکن آن دنبال می‌کند.

پژوهش‌های میدانی دامنه‌دار و تحلیل‌های شهر شناسانه درباره میبد، این شهر را به‌عنوان یکی از مصادیق ساختار کهن شریانی شناسانده که بیشتر شواهد و عناصر آن به‌جامانده و قابل مطالعه است. پویا در سیمای باستانی میبد، ویژگی‌ها و سازمان فضایی و عناصر اصلی شهر قدیم و محدوده و گستره آن را شرح داده و عناصر مهم را معرفی کرد (پویا، ۱۳۹۵). در میبد شهری که هست، علاوه بر معرفی و تحلیل سازمان شهری قدیم، ارتباط شبکه آبادی‌های تشکیل‌دهنده توضیح داده شد (اسفنجاری، ۱۳۸۵). ساختار دفاعی و مورفولوژی در بیرونه‌های/ارگ میبد، به بررسی ویژگی و نقش آبادی‌های بیرونه میبد و ارتباط آن‌ها با شارستان می‌پردازد (فلاح، ۱۳۹۱). پژوهش‌های انجام‌شده، باوجود اعتبارشان، عمدتاً بر پایه مستندسازی و مشاهده وضعیت موجود و عکس‌های هوایی دهه‌های گذشته است و کمتر به اسناد تاریخی مکتوب تکیه دارند؛ بنابراین عناصر و فضاهای از بین رفته، نحوه زیست و تعامل شهروندان چند سده پیش در توسعه و نگهداری شهر و تاریخ‌گذاری دقیق یا نسبی عناصر معماری در ابهام به سر برده و ناخوانا می‌نماید. این پژوهش در پی پر کردن بخشی از چنین کمبودی است و اساساً در شناخت شهرهای ایرانی کمتر بدان‌ها توجه نشان داده‌شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

در ادامه، ضمن بازنویسی متن وقف‌نامه مطابق آنچه هست، خوانش آن از دریچه فضاها، بناها و اجزای شهری صورت خواهد گرفت که بنا به نیاز، با مطالعات میدانی توأمان شده است. علاوه بر این، برخی واژگان و اصطلاحات نیز نیاز به توضیح دارند که سپس بدان پرداخته می‌شود. متن سند با توجه به تکرار، نسبتاً طولانی است و در صورتی که سجلات و تأییدات ذکر شود، طولانی‌تر خواهد شد. از این رو سجلات قلم گرفته شد.

۴-۱- توصیف سند

وقف‌نامه مورخ ۱۲۶۹ ق، به‌صورت طوماری دراز است که برای مسجد جامع و برخی بناهای مذهبی دیگر میبد و اولاد واقف (محمدالحسینی میبدی) تنظیم‌شده و با عنوان «وقف‌نامه‌چه» از آن یادشده است. متن سند را بر سراسر فضای صفحه رو و نیمی از فضای صفحه پشت نوشته‌اند. تصویر آن در اداره اوقاف شهرستان میبد به کلاسه پرونده «م/۱۶۵-۱» شهرستان میبد نگهداری می‌شود و اصل آن نزد متولی مسجد جامع است. وقف‌نامه به زبان فارسی، با خط تحریری شکسته‌نستعلیق نه‌چندان خوش نوشته‌شده و حاوی نقش مهر واقف و مهرها و سجلات و تأییدات چندین تن در حاشیه چپ و بالا و لابه‌لای نوشته اصلی است. متن وقف‌نامه در طومار یک‌بار دیگر به تکرار نوشته‌شده و سوادای است که تغییراتی جزئی و اطلاعات تکمیلی نسبت به متن اول دارد (تصویر ۱ و ۲).

۴-۲- متن وقفنامه

«و بعد الحمد وقف مؤبد نمودم، من که محمد الحُسینی المِیبدی المشهور به حیدری هستم، ابن مرحوم مهدی الحسینی المِیبدی؛ قُربَه الی الله تعالی، منابع و مجاری پنج طسوج و هیجده جُره از طُشته چهاردنگی از میاه شمس آباد قُرب میبد را با اراضی تابعه آن تماماً از هر یک / و متعلقات شرعیهِ و عُرْفیه آن از قلعه و غیره به قدر الحِصّه؛ که سه طسوج آن در شبانه روز چهارم است و یک طسوج آن در شبانه روز کلم^۱ است و نیز شش جُره آن در شبانه روز کلم است و هشت جُره آن در طاق / ششم است و شانزده جُره آن در طاق دهم است و نصف طسوج آن در طاق یازدهم است با منابع و مجاری، سی و چهار جُره از [؟] در میاه کسنویه میبد از سهم میبدی از طُشته چهاردنگی و شمس آباد از قرار / مدار دوازده روز شبان است و کسنویه از قرار مدار^۲ ده روز شبان است و منابع و مجاری هشتاد جُره از میاه خارجار میبد از قرار مدار هشت روز شبان واقع در میبد با تمامی یک درب خانه / واقع در سرحوض بازار میبد که محدود است به شارع از طرفین و حدّی به خانه ورثه مرحوم میرزا سید حسین میرزا حیدر و حدّی به خانه میرزا ابوطالبی با متعلقات شرعیهِ و عرفیه آن با بالاخانه جنب آن / با تمامی یک درب باغ واقع در همان موضع که محدود است به شارع از طرفین و حدّی به باغ صبیّه میرزا معصوم و حدّی به باغچه سیده بیگمی [؟] و حدّی به شارع و قبرستان خانه سیدهای میبد با خانه طرفین آن / باغ و بازارچه جنب قبرستان مرقوم که مشهور است به باغ ابوالحسنی و تمامی یک درب باغ در جنب همین باغ مشهور به باغچه سیده بیگمی و محدودست به همین باغ و حدّی سرآب خانه سیدها و حدّی به باغچه میرزا / ابوطالبی و حدّی به راه پای قبرستان مرقوم و تمامی یک درب باغ واقع در مشرب خارجار میبد مشهور به باغ ظریفان که محدودست به باغ زوجه حاجی رجبعلی و حدّی به باغ ورثه رحیم ابن ابوالعکسر و حدّی به باغ / چهل گزی و به باغ حاجی محمدعلی و حدّی به شارع و راه پا و حدّی به [باغ] زوجه حاجی رجبعلی و حاجی میرزا سید حسین است با کل متعلقات شرعیهِ و عرفیه آن با چهار سدس مشاع الا هفت یک سدس که نصف مشاع / باشد با هفت سهم از هشت سهم از یک سدس مشاعاً از باغ واقع در مشرب خارجار میبد مشهور به باغ حاجی^۳ خلیلی که محدود است به شارع و حدّی [باغ] ورثه میرزا اسمعیل و حدّی به [باغ] عرب و [باغ] زوج او المسمی / با ابوالحسن ابن قیوم و حدّی به باغی که در تصرف استاد حسین ابن استاد ابوطالب است و حدّی به باغ سید واقف مشهور به باغ رحیمی و تمامی یک درب باغ واقع در طرف غربی اول یخدان در وقت دخول / از طرف میبد که آب اردکان از آن بیرون می آید و داخل کوچه می شود و مشهور به باغ کاج که طرفین آن به شارع است و حدّی افتاده و حدّی ملک و تمامی یک درب اطاق واقع در قلعه بشنیغان میبد / که محدودست به حصار قلعه و حدّی اطاق برخوردار و حدّی [؟] در قلعه جدید که اطاق جنب آن برابر اطاق خلد آشیان [؟] ملاحسین است و اطاقی دیگر فوقانی است^۴ در قلعه قدیم مشهور به اطاق / حاجی محمد صالح میبدی و تمامی سه درب اطاق واقع در قلعه ده آباد یکی اطاقی که برج طرف شرقی در آن است و اطاق میانی که طبقه میانی باشد مشهور به اطاق آقا محمد ابن عیسی بیکی به اطاق جنب / آن و متعلقات آن و یک اطاق طبقه سیم مشهور به اطاق مرحوم حاجی موسی بیکی که سقف آن خراب شده؛ تمامی آنچه مرقوم شد، وقف مؤبد قربه الی الله نمودم، من که محمد الحسینی المِیبدی المشهور بحیدری هستم، بر اثنا عشری / به مؤمنین و اولاد مؤمنین، مگر آنکه باغ سیده بیگمی مقدم مؤمن قاری کلام الله و باغ ظریفان مقدم مؤمن صلوات خوان و لعن کن بر دشمنان آل رسول و رسول و باقی دیگر وقف مؤبد قربه الی الله بر مؤمنین اثنا عشری و اولاد مؤمنین با تقدم / نصف آنها مشاعاً بر مؤمن عالم و متعلم علوم دین و مقدمات آنها و ربع ثالث مقدم مؤمن روضه خوان است و ربع رابع باقی مؤمن

۱. در تقسیمات اراضی کشتخوانی، آخرین و دورترین تخته نسبت به مظهر قنات را کُلم (Kolom) گفته می شود. یک تخته، چند کُرت نیم تا یک و نیم قفیزی است جانب اللهی، ۱۳۸۳، ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲. در سند «مداره» نوشته شده است.

۳. حاجی دو مرتبه تکرار شده است.

۴. در سند «فوقانیست» آمده است

مطلق است و لکن اگر به این مصارف مؤمنین صرف شود، نیکوتر دارم^۱ و مرغوبتر دارم نه این که وقف برای این ده مصرف بوده باشد ربع چهارمی مراد این است که اگر به نحوی بشود که در این ده قسم اولاد باشند، به انفع اولاد واقف در این ملاحظه شود، نیکوتر دارم که باین طریق نفع به اولاد [...] مثل زیلو برای مساجد با صرف مساجد و حمام و امثال این‌ها، اگر نفع اولاد واقف در این متصور است مرغوبتر است و الا مرغوبتر نیست و اولاد در همین ربع رابع هم با صفات مقدم است التاریخ و ربع آخری / که این ربع چهارمی ده عشر شود، عشری مؤمنین اثنا عشری در عید اضحی بخورند و عشر در عید غدیر مؤمنین طعام کنند و بخورند و عشری از منافع آن صلوات خوان^۲ مؤمنین در سال بخورد و عشری از آن منافع / ربعی به زوار دهند و عشری از آن بدهند به فقیر مؤمن که نعشی بخواهد که بفرستد به مشاهد مشرفه و وسعت نداشته باشد برای فرستادن نعش؛ و عشری از منافع آن‌ها را به مصرف تعمیر حمام میبد و کوچک / و بشنیغان که مصرف مسلمانان اثنا عشری و مؤمنین است برسانند و عشری به مصرف تعمیر مسجد میبد و کوچک و سه مسجد بشنیغان برسانند، که مصرف مؤمنین است؛ و عشری دیگر آن‌را به مصرف روضه / خوان مؤمن و مؤمن روضه خوانی که در سید قنبر در دهه اول محرم هر سال و در میدان کرم میبد و در میدان کوچک و میدان کریم کبیر و در میدان حاجی محمد صفری و در میدان درب حمام / بشنیغان که هرساله و در بین دو ماه محرم و صفر در این مکان‌ها روضه بخوانند، مقدم باشند و عشر منافع برای کسی از مؤمنین که در این مساجد در عرض سال مسئله بگوید و حمد مؤمنین را درست، / یعنی در مسجد میبد و کوچک و سه مسجد بشنیغان، که جمیع آن چه مرقوم شد، مصارف مؤمنین اثنا عشری است؛ و مراد از وقف نامچه‌های حقیر، جمیعاً حاصل آن‌ها همین است و اگر عبارتی در آن‌ها / بوده باشد، که ظاهر آن‌ها فهمیده نشود که مراد آن‌ها وقف بر مؤمنین از اثنا عشری است کل آن‌ها، مراد مؤمنین است؛ و جمیع آن چه مرقوم شده وقف مؤید است قربه الی الله بر مؤمنین اثنا عشری که نصف آن مؤمنین و اولاد مؤمنین اثنا عشری / عالم و متعلم علوم دین و مقدمات آن بوده باشد؛ و ربع آن وقف است بر مؤمن اثنا عشری روضه خوان و ربع آخر بر مؤمنین است، با تقدم این ده، مصرف مؤمنین است حجاباً؛ لکن جمیع وقف بر مؤمنین اثنا عشری است / و در جمیع آن چه مرقوم شده، اولاد واقف مقدم است با صفات بر هر کس، حتی بر خویشان هم^۳ مقدم می‌باشند، اولاد با صفات و خویشان^۴ مقدم بر غیر، با صفات و طبقه اعلا مانع طبقه اسفل نیست و آن / از اولاد مقدم بر غیرند و با صفات زن و مرد و طبقات همه می‌برند و با تعدد این با صفات علی نحو ما فرض اسم [؟] مگر در مانع نبودن طبقات اعلا که اعلا مانع اسفل نیست و جمیع به نحو مرقوم / وقف نمودم و به تصرف وقف دادم، چندین سال است و تولیت با عدول است، با تقدم خویشان واقف با تقدم اولاد واقف با تقدم خود واقف در تولیت و در اولاد واقف با شرایط جمیع متولی هستند، با شرایط^۵ / و حق التولیه عشر منافع است و ناظر مؤمنین با تقدم اولاد^۶ و حق النظاره چهل یک منافع دارند. مجعلاً جمیع آن چه مرقوم شده، وقف مؤید است / بر مؤمنین متصف به این صفات، با تقدم هر کس که مقدم داشته شده با صفات با تقدم اولاد با صفات و اگر [؟] شود صرف به مصرف مؤمنین، ابتیاع ملک و ملحق به اصل کردن / اگر از منافع شصت و چهار جره از میاه خارجار ابتیاع ملک نمایند و ملحق به اصل کنند تا هروقت که ممکن شود، مرغوب در نظر^۷ واقف هست والا فلاوتصدی [؟] این با متولی است / و جمیع آن چه در فوق مرقوم شده وقف بر مؤمنین شده، وقف مؤید قربه الی الله تعالی به نحو مرقوم، در تصرف وقف داده شده و به مصرف موقوف علیهم رسیده شود و مرا دیگر در این‌ها حقی نیست؛ چون وقف صحیح نمودم / و به تصرف وقف دادم. فمن بدله بعد ماسمعه^۸. الی و شرط این وقف

۱. مطلب بین این علامت "..."، در دنباله سطر و در حاشیه سمت چپ، رو به بالا و با همان خط متن اصلی نگارش شده است.

۲. در سند «صلوات خان» آمده است

۳. در سند «خیشانهم» آمده است

۴. در سند «خیشان» آمده است

۵. با شرایط دو بار تکرار شده است.

۶. از اینجا چند واژه در متن خط خوردگی دارد.

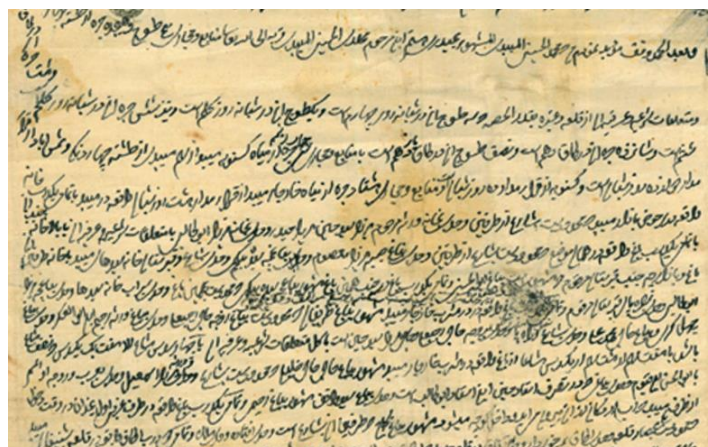
۷. در سند «نضر» آمده است.

۸. سوره بقره، آیه ۱۸۱

است که هرسالی یک وقف‌نامهچه نوشته شود از روی وقف‌نامهچه اصل و مهور به مهر علما و فضلا و معتبرین نمایند و جمیع نباید در دست یک / نفر بوده باشد، بلکه هر نوشته [؟] ش در ید مؤمنین بسپارند و اجاره زیاد از سه سال ندهند و اجاره‌نامهچه بگیرند و به کسانی که راه عیب دارد، اجاره ندهند؛ و صلوات‌خوانی که مقدم است در / باغ ظریفان [؟] منافع آن را با سایر مؤمنین و هم‌چنین عشر از ربع اخیری که صلوات‌خوان مقدم است، صلوات آن به این طریق است که بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد به عدد ما احصاه کتابک / و احاط به علمک و العن اعدائهم اجمعین بعدد ما احصاه کتابک و احاط به علمک صلوات‌خوان به این طریق از مؤمنان مقدم است بر مؤمنانی که این صلوات و لعن را نخوانند به نحو مرقوم / وقف شده و به تصرف موقوف علیه داده شده و مرا حق در این‌ها هیچ‌یک نیست و چندین سال است که به نحو مرقوم وقف نمودم و به تصرف موقوف علیهم دادم و مرا حق در هیچ‌یک نیست؛ چون وقف / صحیح کردم و به تصرف صحیح دادم و اگر در وقف‌نامهچه سابق چیزی نوشته باشد که راه شبهه داشته باشد، این عبارت یا باطل است یا قول مثل وقف قرآن اگر باشد، مراد وقف بر مؤمن قاری کلام است یا وقف به رساندن نعش / اگر باشد، مراد ناقل نعش است. باری آن چه مرقوم شده در فوق وقف است بر مؤمنین به نحو مرقوم، با صفات و با تقدم اولاد. تحریراً فی یوم چهاردهم شهر صفر سنه هزار و دویست و شصت و نه سنه ۱۲۶۹»

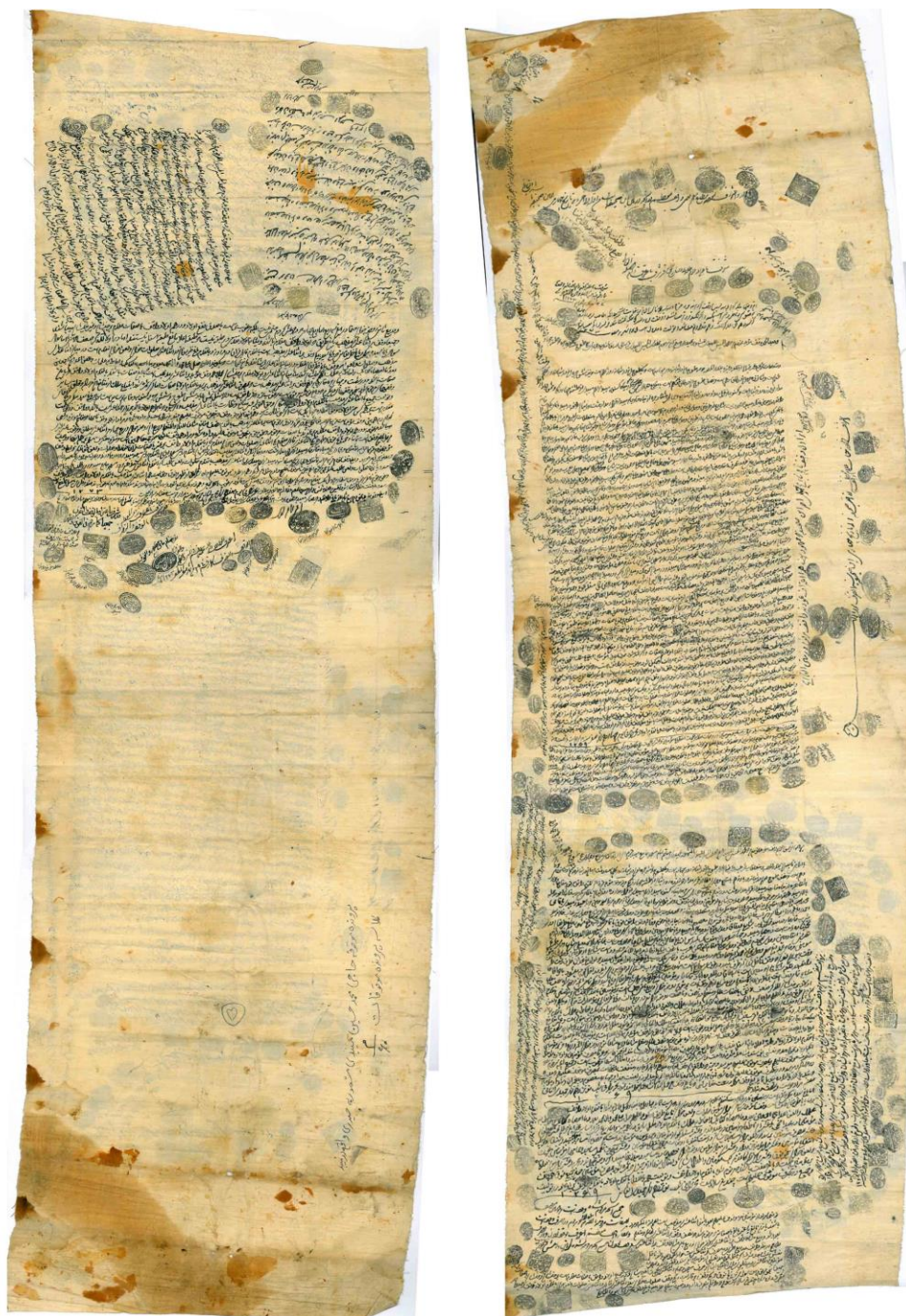
«و عشری از ربع آخری به جهت زیلو برای مساجد مؤمنین و روضات مقدسه به جهت انتفاع مؤمنین و عشری به جهت قلم و کاغذ و مرکب و تعمیر مساجد و تعمیر روضات مقدسه و اخراجات اطفال / مؤمنین، مجملاً جمیع وقف نمودم بر مؤمنین و نصف، مؤمن عالم و متعلم به نحو فوق و ربع، مؤمن روضه‌خوان و ربع صرف مؤمن مطلق و آن ده قسم را در نظر واقف با تقدم اولاد واقف به نحو مرقوم و باغ / ظریفان وقف بر مؤمن صلوات‌خوان و باغچه سیده بیگمی وقف بر مؤمن قاری کلام الله به قدر وسع با تقدم اولاد واقف بالغان کان ام لا در جمیع، با صفات. تحریراً فی یوم چهاردهم شهر صفر سنه هزار و دویست و شصت و نه از هجرت سنه ۱۲۶۹؛ و نصف مشاع از خانه مشهور به خانه مرحوم ملا ابوالقاسمی واقعه در میبد و محدودست به شارع از طرفین و حدی به خانه مؤمن و خانه حاجی صفر و حدی به خانه ورثه حاجی علی [؟] که این نصف مشاعی این خانه / مثل شمس آباد وقف است موبداً قریبه الی الله بر مؤمنین به نحو مرقوم شمس آباد با تقدم اولاد واقف بالغان کان ام لا با صفات و تولیت و حق التولیه در همه عشر و در نظارت و حق النظاره چهل یک و ناظر. تحریراً التاریخ؛ و وقف نامه‌هایی که نوشتم در این خصوص که نزد حقیر یا نزد علما است، مراد هم همین است^۱ و به نحو مرقوم وقف است و به نحو مرقوم در تصرف وقف است و جمیعاً وقف بر مؤمنین است، به نحو مرقوم التاریخ»

از این‌پس فاصله‌ای برای زدن نشان مهرها ایجاد شده و سپس متن دیگری با ذکر نام خدا آغاز می‌شود که با تفاوت‌هایی در نوشتار، متن وقف‌نامه ذکر شده است.



تصویر ۱: ابتدای متن اصلی وقف‌نامه محمد الحسینی، مورخ ۱۲۶۹ ق (منبع: اداره اوقاف شهرستان میبد، کلاسه پرونده م/۶۰).

۱. در سند «همینست» آمده است.



تصویر ۲: رو و پشت وقفنامه محمد الحسینی المیبدی، به تاریخ ۱۲۶۹ ق (منبع: اداره اوقاف شهرستان میبد، کلاسه پرونده م/۶۰).

۴-۳- واقف

بر اساس متن وقفنامه، واقف محمد الحسینی المیبدی المشهور به حیدری، فرزند مهدی الحسینی المیبدی است. او امام مسجد جامع بود و از خانواده سادات میبد به شمار می‌رفت و دنباله ایشان اینک در محله‌های بالا و پایین میبد زندگی می‌کنند. احفاد و اعقاب واقف امروز با نام خانوادگی حیدری شناخته می‌شوند و خانه‌هایشان پیرامون مسجد جامع و میبد بالا قرار دارد. پسوند «میبدی» را اهالی میبد بالا، در نام خانوادگی‌شان استفاده می‌کردند و اهالی محله کوچک و دیگر آبادی‌ها، مانند فیروزآباد و بارجین و مهرجرد و ... پسوند همان آبادی را دارند. متولی کنونی این وقفنامه امام فعلی مسجد جامع میبد است؛ و با توجه به دایر بودن برخی از رقبات، درآمدها صرف مسجد جامع می‌شود.

۴-۴- فهرست مکان‌های اشاره‌شده در وقفنامه

مکان‌های اشاره‌شده در متن سند، دربردارنده نام شهر، محله، آبادی، قنات و اماکن و فضاهایی نظیر قلعه، گورستان و مقبره، مسجد، حمام، یخدان، میدان، بازارچه و سرآب می‌شود و بناها و فضاهای خصوصی مانند خانه، اتاق، باغ و باغچه را دربر می‌گیرد (جدول ۱). همه این‌ها به محیط شهری و عناصر معماری در زمان تنظیم سند تعلق دارند و به مناسبت‌هایی در سند از آن‌ها نام برده شده است؛ که یا موقوفه‌اند یا موقوف الیه یا برای ذکر هم‌جواری و نشانی دادن، نامی از آن‌ها ثبت شده است.

جدول ۱: فهرست اماکن و آثاری که در وقفنامه به آن‌ها اشاره شده است.

گونه فضا / بنا	مصادق و اثر
شهر	مبید، شهر داخل حصار - اردکان
محله	محله کوچک - محله بالا، هر دو در داخل حصار
آبادی	شمس‌آباد - بشنیغان - ده‌آباد - باغستان - یخدان
قلعه و متعلقات	شمس‌آباد - بشنیغان (اتاق قلعه بشنیغان، کنار حصار - اتاق برخورد در قلعه جدید - اتاق خُداآشیان ملاحسین - اتاق فوقانی قلعه قدیم) - ده‌آباد (اتاق برج غربی، اتاق میانی طبقه میانی)
گورستان و مقبره	قبرستان خانه سیده‌های مبید - سیدقنبر
میدان	میدان کرم - میدان کوچک - میدان کریم کبیر - میدان حاجی محمد صفری - میدان درب حمام بشنیغان
بازارچه	بازارچه جنب قبرستان، کنار سرحوض بازار (مسجد جامع)
مسجد	مبید - کوچک - سه مسجد بشنیغان
حمام	مبید - کوچک - بشنیغان
یخدان	مبید، بر سر راه ورود به مبید
خانه و متعلقات	خانه سرحوض بازار - ورثه مرحوم میرزا سید حسین میرزا حیدر - میرزا ابوطالبی - بالاخانه جنب میرزا ابوطالبی (وقف روزه‌خوانی) - خانه طرفین قبرستان - ملاابوالقاسمی - خانه مؤمن - خانه حاجی صفر - خانه ورثه حاجی علی -
باغ و باغچه	باغ سرحوض بازار - صبیبه میرزا معصوم - باغچه (باغ) سیده بیگمی (جنب ابوالحسنی) - جنب قبرستان (ابوالحسنی) - مشرب خارجار (ظریفان) - زوجه حاجی رجبعلی - ورثه رحیم ابن ابوالعکسر - چهل گزی - حاجی محمدعلی - حاجی میرزا سید حسین - مشرب خارجار (حاجی خلیلی) - ورثه میرزا اسمعیل - عرب - ابوالحسن ابن قیوم - استاد حسین ابن استاد ابوطالب - رحیمی - باغ کاج یخدان
قنات (مياه) و متعلقات آن	شمس‌آباد، قرب مبید - کستویه مبید - خارجار مبید - آب اردکان / باغستان - سرحوض بازار - سرآب خانه سیده‌ها

۴-۵- جستجو و شرح مکان‌ها و آثار مندرج در وقفنامه

وقفنامه اطلاعاتی از ۱۵۰ سال پیش (به حساب سال مہی) را می‌نمایاند. برای یافتن اماکن و آثار، روش کار به این ترتیب بود که ضمن احصای مکان واژه‌ها با طبقه‌بندی‌ای که در جدول بالا ذکر شد (جدول ۱)، برای یافتن شواهد مربوط، جستجوی میدانی و مشاهده در محیط انجام شد تا نتایج ملموس و قابل اتکایی به دست آید. علاوه بر این، با تلفیق داده‌های شفاهی و برخی اسناد تصویری و منابع مکتوب دیگر، شرح و بسط لازم برای معرفی آثار اشاره‌شده در متن صورت گرفته است.

شهر مبید: مقصود از مبید در سند، محدوده داخل حصار یا شارستان است. چنانچه در متن آمده، «مياه شمس‌آباد قُرب مبید» که فاصله اندکی با شارستان دارد. یا جاهایی که به حصار اشاره می‌شود؛ «حدی به باغ ورثه رحیم، تخمیناً ده

دست است در حصار میبد». یکی در مقام داخل حصار یا محله بالا و پایین که مطلق میبد شناخته می‌شد (افشار، ۱۳۴۸: ۷۹) و دیگر در جایگاه شهرستان که اینک نیز نزد باشندگان این شهر چنین است.

سند به دو محله بالا و کوچک اشاره دارد. هر دو محله امروز شناخته شده‌اند. «محله بالا» در محدوده غربی و بر توپوگرافی شیب‌دار و «محله کوچک» در محدوده شرقی شهرستان و دامنه شمالی کهن‌دژ جا دارد. محله بالا دارای بافت متراکم با بناهای درهم‌فشرده و الگوی گودال‌باغچه‌ای و سرسبزی کم است و پیشه‌وران و صنعت‌گران در آن می‌زیستند (پویا، ۱۳۹۵: ۸۳؛ اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۵۸)؛ و محله کوچک واقع در اراضی پایین‌دست نارین‌قلعه، برخورداری از بافت نامتراکم و الگوی خانه باغ است. محل زندگی کشاورزان صاحب آب و زمین بود (پویا، ۱۳۹۵: ۸۶).

آبادی‌ها (بیرونه): قریه‌ها یا بیرونه‌های کهن و نوپدید وابسته به شهر که به فواصل متفاوتی نسبت به حصاربست میبد قرار دارند را ۱۷ و ۱۹ پارچه آبادی ذکر کرده‌اند که از روزگار ساسانی تا قاجاریه بنیاد یافتند (افشار، ۱۳۴۸: ۶۹؛ پویا، ۱۳۹۵: ۱۳۱). بنا به مناسبت‌هایی، از پنج آبادی شمس‌آباد، بشنیغان، ده‌آباد، باغستان و یخدان نام‌برده شده است. این‌ها به همراه دیگر آبادی‌ها در سوی شرقی و غربی و جنوبی، امروز در محدوده شهری قرار دارند و در توسعه ده‌های اخیر به هم پیوسته‌اند، اما در گذشته با یکدیگر فاصله داشتند.

«شمس‌آباد» یکی از آبادی‌های حدود جنوبی میبد است که به فاصله حدود هزار متر از نارین‌قلعه قرار دارد. از قدیم به داشتن زمین‌های مرغوب و آب خوب شناخته می‌شد. از بافت مسکونی آن آثار چندانی باقی نیست. ویژگی دستگرد بر شمس‌آباد صدق می‌کند (پویا، ۱۳۹۵: ۶۱). امروز آثاری از حصارهای چینه‌ای و خشتی، آب‌انبار و کشتخوان‌ها در آن به چشم می‌خورد. در جامع مفیدی اشاراتی به شمس‌آباد شده است که در خیابانش نهر آبی روان و در اطراف خیابان باغ‌های دلگشا و بوستان‌های فرح‌زا با درختان کاج و سرو و نهال‌های ثمربخش و گل‌ها کاشته شده بود (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ج ۳: ۹۵). «بشنیغان» آبادی دیگری است که به حصار و دروازه شمالی میبد چسبیده و محدوده مسکونی با چند محله و کشتخوان‌هایی وسیع در پایین‌دست دارد. زیارتگاه و میدان سیدقبر متصل به این آبادی است. قنات خارزار کشتخوان‌های بشنیغان را آبیاری می‌کند. از قنات‌های کثنوا و کرنان نیز استفاده می‌کند. محله‌های کنزی‌ها، حبیبیان و شیخی‌ها به انضمام گذرها را دارد. این آبادی هفت دروازه کوچک داشت (پویا، ۱۳۹۵: ۷۱ و ۱۳۳). در وقف‌نامه به «یخدان میبد» اشاره شده که می‌تواند بیانگر دو موضع باشد. یکی بنای یخدان (یخچال) واقع در روبروی رباط شاه‌عباسی و دیگری قریه یخدان در حدود شمال میبد (افشار، ۱۳۴۸: ۸۶). این آبادی بر سر راه میبد به اردکان و امروز در مجاورت خیابان امام واقع شده است. به سبب وجود یخدان (یخچالی) قدیمی به این نام شهرت یافت. حسینی، مسجد و حمام آن در محور یک گذر قرار دارند (فلاح، ۱۳۸۰: ۳۷). «باغستان» نوشته شده در سند هرچند قنات است اما یادآوری به آبادی به همین نام نیز می‌کند. امروز در میبد آبادی‌ای به این نام موجود نیست. با توجه به کتیبه نوشته شده بر در چوبی مسجد کوچه‌باغ، به تاریخ ۱۱۹۱ ق که مسجد «محله باغستان» نامیده شده، می‌توان اظهار داشت که همین آبادی است که در حدود شرقی بشنیغان و غربی خانقاه و در میان باغات و کشتخوان‌ها قرار دارد. این آبادی کوچک همان‌طور که از نام قدیم و جدید آن پیداست، با آب و باغ تنیده شده و عرصه‌های زیر کشت آن وسعت دارد. کوچه‌های آن در امتداد آب کشیده شده و علاوه بر خانه‌های خشتی، مسجد، حمام، آسیاب و میدان دارد. محله‌های بالا، پایین و نقیب دارد. «ده‌آباد» مورد اشاره در وقف‌نامه، از آبادی‌های شمالی میبد و دارای بافت منسجم در دو بخش است که بین‌شان گورستان قرار دارد. محله‌های آسیاب، بالا و پایین از این قریه است. ده نو موضع قدیم آبادی بود و به صورت کشتخوان در آمده و از آن مسجدی از سده هشتم هجری باقی است. از کشتخوان‌های دیگرش مبارزآباد و کرنان را می‌توان نام برد (فلاح، ۱۳۸۰: ۷۸). مسجد جامع، مسجد ملا حسن، میدان‌ها، حمام‌ها و آب‌انبار در محله‌های آن وجود دارد.

قلعه‌ها: بیشتر آبادی‌های میبد قلعه‌هایی داشتند که به کار سکونت و پناه گرفتن و نگهداری اموال می‌آمد (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۳۴). در وقف‌نامه از سه قلعه شمس‌آباد، بشنیغان و ده‌آباد نام‌برده شده است. جز قلعه شمس‌آباد که از متعلقات قنات مذکور یادشده، اتاق‌هایی از قلعه‌های بشنیغان و ده‌آباد جزء موقوفات محمدالحسینی شمرده شده‌اند.

بقایای حصار و باروی خشتی باقی‌مانده در کشتخوان‌های شمس‌آباد، واقع در روبروی غربی زیارتگاه میرشمس‌الحق «قلعه شمس‌آباد» است (تصویر ۳) که خیابان کم‌عرض بلدرچین از یک‌سوم شرقی آن عبور می‌کند. کشاورزان آن محدوده این بنا را به‌عنوان قلعه می‌شناسند. در عکس هوایی سال ۱۳۴۲ش بنای کامل قلعه دیده می‌شود؛ که از حصار و چهار برج در میان کشتخوان‌ها تشکیل می‌شود. بنای چندانی ندارد و داخل آن کشت و کار جریان داشت و باوجود تخریب بخشی از حصار و برج، امروز نیز با همان کارکرد کشاورزی ادامه حیات دارد. وسعت آن به حدود ۱۱/۵۰۰ مترمربع می‌رسید. «قلعه بشنیغان» به فاصله‌ای از حدود شمال بیرون آبادی، در میان کشتخوان‌ها قرار داشت. از این قلعه امروز اثری نیست، زیرا این بنای معظم خشتی را در دهه ۱۳۶۰ش از بنیاد ویران کرده و بر جای آن ساختمان آجری آموزش‌وپرورش و آزمایشگاه و درمانگاهی ساختند. این قلعه خشتی به مساحت حدود ۳/۰۰۰ مترمربع، مشتمل بر حصار و بارویی مستحکم، برج‌ها در چهارسو و میانه، خندق و سردر ورودی بود (تصویر ۴) و کوچه‌ها و اتاق‌هایی به طبقات، داخل حصار ساخته شده بودند. هنگام خطر، اهالی به آن پناه می‌بردند. هر اتاقی متعلق به فرد یا خانواده‌ای بود و به نام او شناخته می‌شد. در متن وقف‌نامه به نام چند اتاق متعلق به محمدالحسینی (واقف) و ملاحسن اشاره شده است. «قلعه ده‌آباد» در محله پایین این آبادی قرار داشت، در انتهای گذر موسوکی که به کشتخوان‌ها می‌رسد. اکنون اثری از این قلعه نیست؛ زیرا بر جای آن مدرسه دخترانه عفت را ساختند. داخل قلعه با کوچه‌هایی و اتاق‌هایی طرح‌ریزی شده بود و مساحتی در حدود ۱/۰۰۰ مترمربع داشت.



تصویر ۳: بقایای قلعه شمس‌آباد (بالا) و جوی قنات شمس‌آباد (پایین) که در کشتخوان جریان دارد (سال ۱۴۰۵).



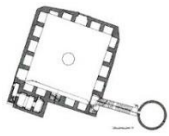
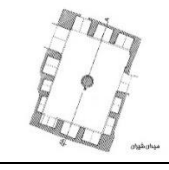
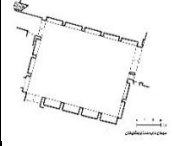
تصویر ۳. قلعه بشنیغان در دهه ۱۳۴۰ش (عکس از افشار، ۱۳۴۸، به نقل از پویا، ۱۳۹۵).

گورستان و مقبره: «قبرستان خانه سیدها» نام‌برده شده در وقف‌نامه را اینک به نام مزار سیدها در میبد بالا می‌شناسند و دهه‌هاست که تدفین در آن صورت نمی‌گیرد. این گورستان چهارضلعی به وسعت حدود ۲۰۰ مترمربع، همچون ساختمانی است که با دیوارهایی به بلندی حدود ۴/۵ متر محصور شده است. گورها در تراز بیشتر از ۲ متر نسبت به کف کوچه دیده می‌شوند و راه‌پله‌ای به داخل راه پیدا می‌کند. در گوشه‌ای اتاقک قرائت قرآن و ادعیه ساخته شده است. نامی از «سیدقنبر» نیز در سند برده شده که منظور، زیارتگاه سیدصدرالدین قنبر، واقع در پشت دروازه شمالی شارستان میبد است.

گورستان، ایوان، آرامگاهی با محراب ظریف گچ‌بری از سده هشتم هجری، میدان و مسجد و زیارتگاه دیگری، اجزای آن را تشکیل می‌داد (افشار، ۱۳۴۸: ۷۶؛ پویا، ۱۳۹۵: ۱۲۹ و ۱۳۰). در چند دهه اخیر، به تدریج همه آثار قدیم را برچیدند و میدانی وسیع با مقبره‌ای بلند و سردر و مناره‌هایی به تکلف ساختند.

میدان‌ها: از میدان‌هایی که پیش‌بینی موقوفاتی برای روضه‌خوانی در آن‌ها شده (جدول ۲) برخی شناخته‌شده و برخی ناشناخته است. «میدان کرم» در منتهی‌الیه پایین دست میدان بالا، به فاصله ۱۲۰ متری جنوب شرق مسجد جامع واقع شده و در طول سال برای برگزاری آیین‌های محرم و دیگر مراسم‌ها استفاده می‌شود. آب‌انبار و مسجدی هم دارد و نمای بیرونی آجری شده و سقف فلزی بر سر فضای باز آن نهاده‌اند (نیک‌زاد، ۱۳۹۹: ۱۲). «میدان کوچک» هم در محله کوچک قرار دارد؛ اما این محله دو میدان دارد، یکی کُنْجُک واقع در انتهای محله که تکیه و مسجدی متصل بدان دارد و دیگر کاظمیه که وسعت بیشتری داشته و امروز تغییر یافته است؛ اما امروز نامی از «میدان کریم کبیر» و «میدان حاجی صفری» در میدان بالا در میان نیست. سه میدان دیگر می‌شناسیم که شاید نامشان تغییر یافته و دو میدان مورد اشاره در وقف‌نامه از همان‌ها باشند. یکی «میدان حیدرعلی» در حدفاصل محله بالا و پایین که دسترسی به آب قنات در پشت آن وجود دارد و دیگری «میدان شیران» که فضای محصور کوچکی در بالادست محله بالاست. میدان سومی نیز در محله بالا به نام «میدان خواجه» وجود داشت که امروز تنها واشدگاهی است. «میدان درب حمام بشنیغان» را با توجه به هم‌جواری با حمام در محله کنزی‌های این آبادی می‌توان معلوم کرد. به این چهار میدان، «میدان سیدقنبر» را هم باید افزود که در وقف‌نامه پیش‌بینی روضه‌خوانی در آن شده است. پیش از تخریب آن در سال ۱۳۷۲ش (کیهان، ۱۳۷۲: ۱۹)، دروازه شمالی به میدان منتهی می‌شد و از آنجا به بشنیغان می‌رفت و راه‌های دیگر نیز به این میدان می‌رسید. همه آبادی‌های میدی، هم چون دیگر مجموعه‌های شهری و روستایی منطقه یزد، فضای میدان را با کارکرد فضای عمومی بر سر گذرها و حسینیه دارند (پویا، ۱۳۹۵: ۷۸).

جدول ۲: میدان‌های میدی؛ اشاره شده در وقف‌نامه.

نام میدان	تصویر	نقشه	نام میدان	تصویر	نقشه
کرم			کوچک		
شیران			سیدقنبر		
حیدرعلی			درب حمام بشنیغان		

بازارچه: از دو بازارچه، یکی نزدیک قبرستان و دیگری نزدیک سر حوض بازار در سند نام‌برده شده است. هر دو بازار خراب شده‌اند و جز چند دکان، چیزی از آن برجای نیست. تا چند سال پیش بقایای طاق بازارچه قبرستان برپا بود و دکان‌های قنادی اکنون دیده می‌شود (تصویر ۴). بازارچه سر حوض بازار در جریان نوسازی پیرامون مسجد جامع برچیده شده و دکان‌های چسبیده به مسجد باقی است. این بازارچه، کاروانسرای نیز داشت و ورودی پاشیر آب‌انبار مسجد جامع روبروی سردر ورودی مسجد باز می‌شد (تصویر ۵).

این بازارچه‌ها دنباله بازار شارستان میبد است که از دروازه جنوبی آغاز شده تا مسجد جامع ادامه می‌یافت (پویا، ۱۳۹۵: ۸۳). با این که تخریب در آن راه یافته، در سه دهه اخیر مرمت و بازسازی‌هایی در آن انجام شده است.



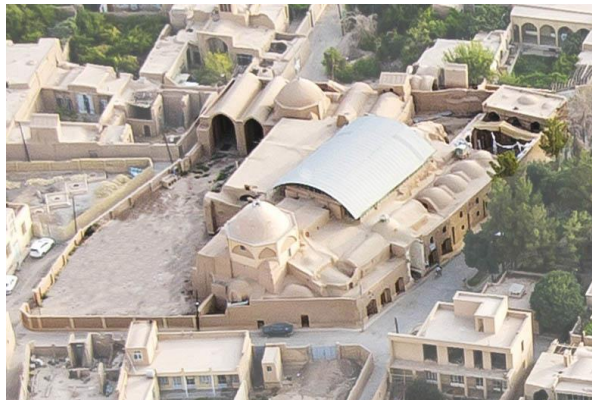
تصویر ۴: بخشی از ساباط و بازارچه کنار گورستان سادات (سال ۱۳۸۰).



تصویر ۵: مسجد جامع و بازارچه متصل به آن بر روی عکس هوایی سال ۱۳۴۲ ش: ۱. صحن مسجد، ۲. بازارچه ۳. کاروانسرا، ۴. آب‌انبار (منبع: سازمان نقشه‌برداری کشور).

مسجدها: عمده موقوفات بر مساجد میبد و کوچک و سه مسجد بشنیغان در نظر گرفته شده است که صرف تعمیر و امور مذهبی آن‌ها شود. بنا به تسریع وقف‌نامه، واقف نیز خود امام مسجد جامع میبد بود. داخل حصار میبد مساجد دیگری نیز دارد؛ از جمله مسجد حسن و حسین که نوسازی شده، مسجد سرآب گودالی‌ها و مساجد نمازخانه‌ای دیگر. مقصود از «مسجد میبد» بایستی مسجد جامع باشد که به میبد نسبت داده شده است. مسجد جامع واقع در مرکز محله پایین که در مقیاس شهرستان عملکرد داشته، بنای کهن شناخته شده‌ای به وسعت حدود سه هزار مترمربع است (پویا، ۱۳۹۵: ۸۸). این مجموعه از سده‌های نخست هجری است و توسعه و دگرگونی مداوم تاریخی از سده‌های ششم، هشتم، نهم، دهم، دوازدهم و سیزدهم و روزگار معاصر در آن پدید آمده (نیک‌زاد، ۱۳۸۵: ۱۱۴) و عصاره‌ای از تحولات تاریخی شهر در آن مشاهده می‌شود. مسجد جامع زنده است و در آن نمازهای پنج‌گانه و آیین‌های مذهبی برگزار می‌کنند. بخش کهن مجموعه به مرکز صحنی وسیع، شامل ایوان، گنبدخانه و شبستان متصل، گرمخانه‌های شرقی، غربی (حاجی رجبعلی) و شمالی است. گنبد حسنی و فضاها پیرامونی، مسجد کوچک حاجی حسنعلی و بقایای معماری و محوطه‌های دیگر است (تصویر ۶). «مسجد کوچک» که جامع این محله محسوب می‌شود، بنایی است که صحنی در میان و ایوان و گنبدخانه، بادگیر و شبستانی وسیع دارد. این بنا در دوره صفویه برپا شده و تعمیراتی در آن کرده‌اند. از «سه مسجد بشنیغان»، مهم‌ترین آن‌ها «مسجد زراسب» است که در جایگاه مسجد جامع آبادی قرار دارد. «مسجد حافظ» و «مسجد زینل» نیز از دیگر

مساجد قدیمی بود (کشاوری، ۱۳۸۰: ۱۰۵). این مساجد را در دهه اخیر به کل نوسازی کردند. در مسجد زراسب آثار کهنی به جا بود که پیرنیا آن را از سده‌های نخستین می‌دانست (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۲۵)، اما اینک چیزی از آن آثار به چشم نمی‌خورد.



تصویر ۶: مسجد جامع میبد (منبع: پایگاه پژوهشی شهر میبد، حزینی، ۱۳۹۷).

حمام‌ها: برای سه حمام میبد، کوچک و بشنیغان، هزینه‌های تعمیر از محل موقوفات پیش‌بینی شده است. «حمام میبد» حدود ۶۰ متر پایین‌تر از مسجد جامع قرار دارد و سال‌هاست که متروک افتاده و مختصر تعمیراتی در آن شده است. «حمام کوچک» اینک برپا نیست. «حمام بشنیغان» هم‌جوار میدان درب حمام نیز متروک افتاده و بخش‌هایی از آن را تخریب کرده و بر جای آن ساخته‌اند.

یخدان: میبد سابقاً دو یخدان (یخچال) خشتی داشت؛ یکی در شمال و دیگری در جنوب شهر (پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۴). یخچال شمالی واقع در بیرون آبادی یخدان را پس از تعریض خیابان میانی میبد تخریب کرده و مریض‌خانه‌ای را در دهه ۱۳۶۰ش بر جای آن ساختند (فلاح، ۱۳۸۰: ۳۷). این بنا گنبد خشتی عظیمی داشت و دیوارهای بلند سایه‌انداز و خندقی در پیرامونش. یخدان (یخچال) جنوبی مشهور که روبروی رباط شاه‌عباسی، واقع در بیرون حصار قرار دارد و این یکی برپاست. این یخچال عظیم خشتی، گنبد بلند پله‌ای دارد که چاله نگهداری یخ را می‌پوشاند. با سه دیوار بلند سایه‌انداز و حوض‌های یخ‌بند میان آن‌ها، فرآیند تهیه یخ صورت می‌گرفت. دیوار چسبیده به گنبد با طاق‌نماهای غرفه‌مانند ساخته شده و دو یال دیگر با زاویه باز به آن چسبیده‌اند. اینک مورد توجه گردشگران برای تماشاست. تاریخ ساخت آن روشن نیست.

خانه و متعلقات: از چندین خانه در سند نام برده شده که در نقش موقوفه یا هم‌جوار موقوفه جای دارند. برخی را به حدس و گمان و برخی را به یقین می‌توان تعیین موقعیت کرد. خانه‌ها در محله بالا و پایین میبد واقع شده‌اند. از خانه‌های وقف‌شده می‌توان خانه‌ای که در سر حوض بازار قرار دارد همراه با بالاخانه جنب آن. خانه که در آن رو به کوچه سرحوض بازار باز می‌شود، در دهه ۱۳۵۰ش نوسازی شده و بالاخانه بایستی فضای بالای سباط روی کوچه باشد و اینک موجود نیست. خانه‌های طرفین قبرستان که جزء مجموعه خانه سیده‌ها بود. یکی مخروطیه دیگری موجود است. خانه ملاحسنی، بالاخانه‌ای که میان باغ سرآب سیده‌ها قرار داشته، خانه میرزا ابوالقاسمی و خانه وقفی واقف را می‌توان نام برد. خانه‌های هم‌جوار موقوفه‌ها، خانه ورثه میرزا سیدمیرزا حیدر، خانه میرزا ابوطالبی که وقف روضه‌خوانی بود، خانه مؤمن (مؤمنی)، خانه هاجر صفر، خانه ورثه حاجی علی، خانه میرزا سیدحسین حیدری میبدی، خانه میرزا اسمعیلی، خانه و باغ ابوالحسن عرب و خانه محمد بن صادق از آن جمله‌اند.

باغ و باغچه: موضع بیشتر باغ و باغچه‌های موقوفه و هم‌جوار آن‌ها، در محدوده داخل حصار میبد، بین مسجد جامع تا قبرستان سیده‌ها است. این باغات در محدوده‌ای واقع شده‌اند که افتادگی زمین آغاز می‌شود و شیب زمین کاهش می‌یابد و امکان جاری و سوارشدن آب قنات خارچار بر روی زمین وجود دارد. باغی که در حدود سر حوض بازار بوده، باغ جنب قبرستان، موسوم به ابوالحسنی، کنار همین باغ که به باغ یا باغچه سیده بیگمی شهرت داشت، باغ ظریفان و باغ حاجی خلیلی که در مشرب خارچار واقع بودند، همگی از جمله موقوفات محسوب می‌شوند. هم‌چنین باغی که طرف غربی یخدان با نام باغ کاج، بر سر راه میبد به یخدان قرار داشت. علاوه بر این‌ها، از باغ‌های دیگری هم نام برده شده که همه داخل

حصار قرار داشتند؛ مانند باغچه میرزا ابوطالبی، نزدیک سرآب، باغ زوجه حاجی رجبعلی^۱، باغ ورثه ابوالعسکر، باغ چهل گزی، باغ حاجی محمدعلی در مشرب خارجار، باغ حاجی میرزا سیدحسین، باغ تصرفی استاد حسین بن استاد ابوطالب، باغ سید واقف مشهور به باغ رحیمی، باغچه دختر میرزا معصوم، باغ ورثه حاجی سلطان محمد که بالاخانه داشته و باغ ورثه رحیم. بیشتر این باغات اکنون موجودند، اما به سبب کم شدن آب و اُفت کشاورزی و باغداری، بسیاری از آن‌ها بایر افتاده و برخی از آن‌ها زیرساخت و ساز رفته‌اند.

قنات (مياه) و متعلقات آن: در این وقف‌نامه، از سه قنات شمس‌آباد، کسنویه و خارجار، هر یک سهمی از آن‌ها را وقف بر مساجد و حمام‌ها و روضه‌خوانی و امور مسلمین شده است. آب، عضو ثابت وقفیات در یزد به شمار می‌رود و در اغلب وقف‌نامه‌ها نامی از قنات‌ها برده می‌شود. هر سه این قنات‌ها امروز در میبد شناخته شده هستند و در اسناد وقفی کهن‌تر مانند ربع رشیدی و جامع/الخیرات و وقف‌نامه‌های هم‌عصر دوره قاجار نیز حضور دارند. علاوه بر این‌ها، از آب باغستان و آب اردکان نیز نامی آمده است. منبع تغذیه و تأمین آب قنات‌های میبد در حوزه آبریز کوه‌های ندوشن و خضرآباد قرار دارد و از دشت موسوم به چَرخو سرچشمه می‌گیرند (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۷۰) و با عبور از منطقه رستاق به میبد می‌رسند و پایین دست را مشروب می‌سازند. سفره آب زیرزمینی که مادرچاه در آن قرار داشته، چند دهه‌ای است که به سبب برداشت بی‌رویه آب خشک شده و به مالکان هر یک از قنات‌ها اجازه حفر چاه در پایین دست دادند. بدین سبب قنات‌ها به نحوی زنده و جاری هستند و به اراضی زیر کشت می‌رسند.

«قنات شمس‌آباد» کشتخوان‌ها و باغات آبادی شمس‌آباد را آبیاری می‌کند و کشاورزان از آن بهره‌برداری می‌کنند. «قنات کسنویه» با عبور از رباط شاه‌عباسی به باغات کسنویه می‌رسد و آب آن تا عرصه‌های پایین دست را آبیاری می‌کند. آب آب‌انبار گُلاَر و آب موردنیاز یخدان از این قنات تأمین می‌شود و آبی که در حوض میان رباط، زیر مهتابی (بارانداز) هشت‌ضلعی جمع می‌شود، از همین آب است. «قنات خارجار» یا خارزار، از سوی جنوب و از کنار دروازه جنوبی وارد شارستان میبد می‌شود (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۸۱) و در امتداد راسته بازار تا مسجد جامع ادامه می‌یابد و در محل «سرحوض بازار» آفتابی می‌شود. باغات محله بالا و پایین را آبیاری می‌کند و تا کشتخوان‌ها و باغات بشنیغان، در مجموع به طول ۵۴ کیلومتر ادامه می‌یابد. در داخل حصار، بر سر راه آن سه سرآب به نام‌های سرآب حاج رجب‌ها، سرآب گودالی‌ها و «سرآب خانه سیده‌ها» شکل گرفته و آب در آن‌ها ظاهر می‌شود. هم‌چنین آب‌انبار مسجد جامع که تخریب شده نیز از این آب پر می‌شد. مردم در حمام پایین مسجد جامع و در گودال باغچه خانه‌های محله بالا و حوض و جوی خانه‌های محله پایین از آن استفاده می‌کردند. آسیاب سیدقنبر واقع در داخل حصار و چسبیده بدان با آب خارجار می‌چرخید. آب باغستان که مادرچاه آن نزدیک قنات شمس‌آباد قرار دارد و تا آبادی یخدان میبد می‌رسد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۹: ۸۱) و تا اردکان ادامه می‌یابد.

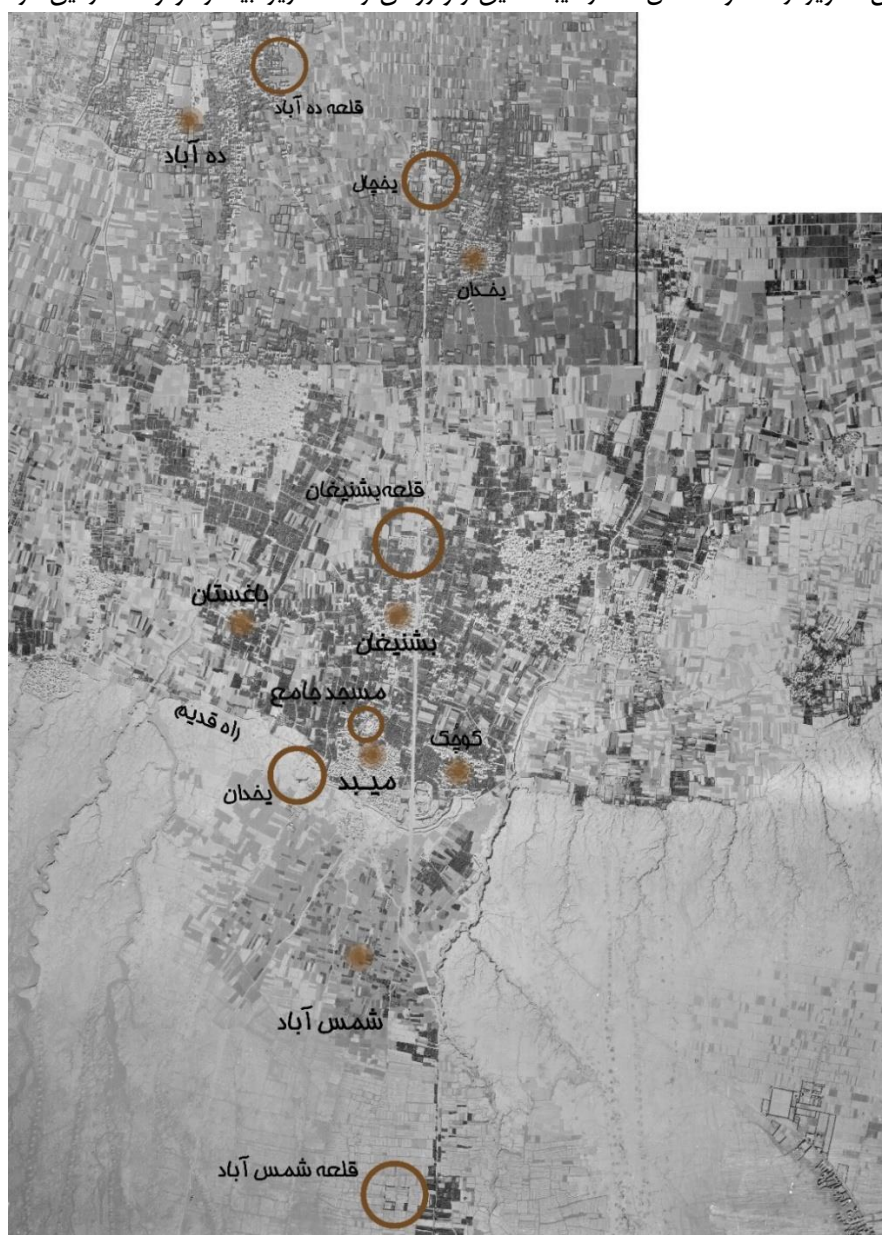
۵- بررسی یافته‌ها در ارتباط با شناخت تازه از شهر و معماری

جز آگاهی‌هایی که تاکنون از بناهای تاریخی و شهر میبد توسط پژوهشگران شناسانده و منتشر شده، مفاهیم، مصادیق و ساختارهای دیگری وجود دارد که پنهان مانده یا در ابهام به سر می‌برد. در این پژوهش و با استناد به وقف‌نامه، فرازا و نکاتی به دست آمده که به ادبیات شناخت شهر می‌افزاید. نکات تازه، در انطباق با بقایا و شواهد، مستندات تصویری گذشته و امروز ارزیابی و تحلیل و نقش آن‌ها در منظر تاریخی شهری تبیین می‌شود. با توجه به یافته‌ها، از دو وجه می‌توان به این دسته از آثار و اماکن نظر کرد؛ یکی در حوزه سازمان فضایی شهر و دیگری آگاهی جدیدی که در شناخت آثار و اماکن تاریخی عرضه می‌دارند.

۱. حاجی رجبعلی، بانی گرمخانه مسجد جامع بود و وقف‌نامه‌ای دارد.

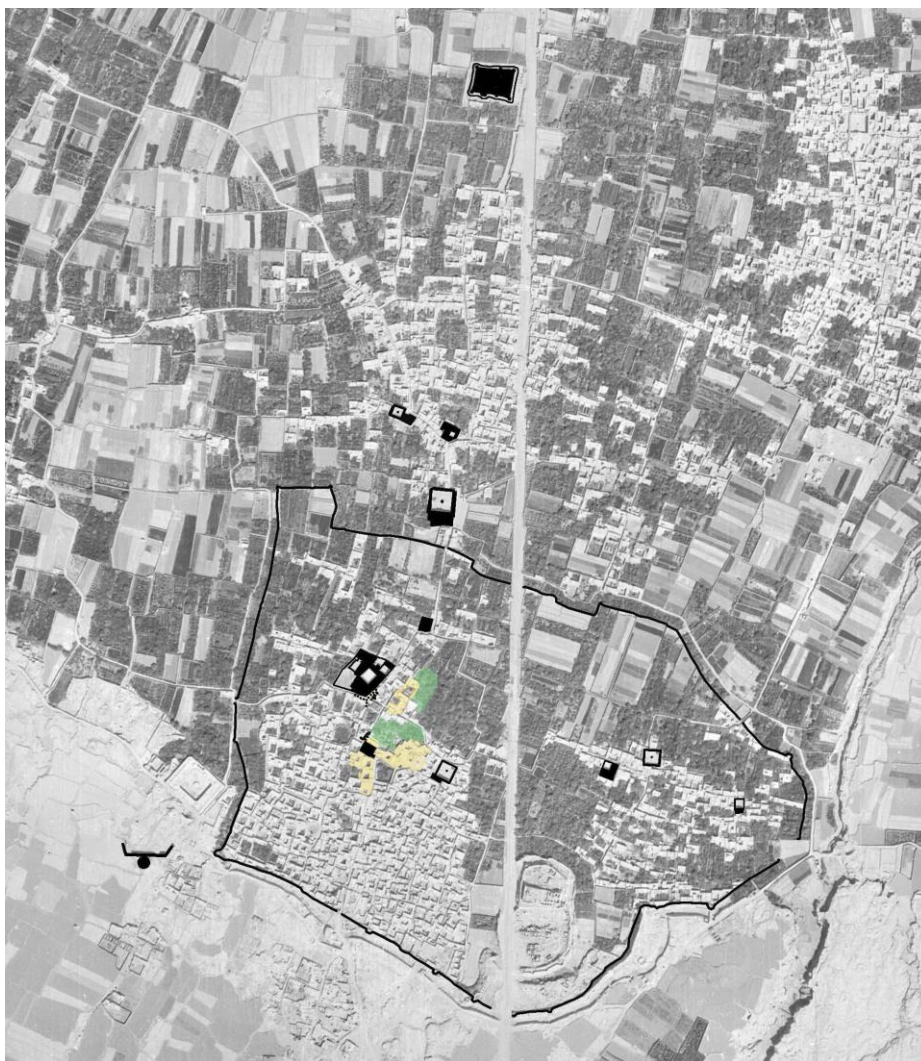
۵-۱- خوانش شهر در چارچوب وقفنامه

در وقفنامه از داخل حصار میبد و چند آبادی (شمس آباد، بشنیغان، باغستان، یخدان، ده آباد)، پهنه‌های باغی و کشتخوانی داخل و بیرون، چند قنات‌ها (شمس آباد، کسنوا، خارجار، باغستان) یاد شده است. با این نام‌ها می‌توان درباره بخشی از ساختار فضایی میبد گفتگو کرد و آن‌ها را بر روی نقشه نشان داد. امروز نظام فضایی شهر میبد شناخته شده است که شامل: کهن دژ، شارسن، شبکه بیرونه‌هاست که به همراه باغات و کشتخوان‌ها، پهنه‌ها و عناصر اصلی شهر را تشکیل می‌دهند و همه این‌ها در طول زمان با آب قنات پا گرفته، توسعه یافته و ادامه حیات داده و در ارتباط با محور راه‌ها پشتیبانی شده‌اند. متن وقفنامه، به سبب تعیین موضع املاک و رقبات، به جزئیات بسیاری می‌پردازد، باین حال و با اشاراتی گذرا، تصویری کلی از شهر نیز به دست می‌دهد. با نشان دادن عناصر و پهنه‌های گفته شده بر روی عکس هوایی سال ۱۳۴۲ ش، تصویر برگرفته از ذهنیت قلمی شده بر وقفنامه بهتر درک می‌شود (تصویر ۷). هرچه به املاک و موقوفات نزدیک‌تر شویم، درک روشن‌تری پدید می‌آید. این تصویر از محدوده داخل حصار میبد، دقیق‌تر و روشن‌تر است، زیرا بیشتر موقوفات در این عرصه قرار دارند.



تصویر ۷. جانمایی آثار و اماکن میبد، مورداشاره در وقفنامه؛ بر روی عکس هوایی سال ۱۳۴۲ ش (عکس هوایی، سازمان نقشه‌برداری، افزوده‌ها از نگارنده).

عناصر و فضاهایی نظیر حصار و باروی میبد، محله‌های بالا و کوچک، چند گذر (شارع) و راه پا، بازارچه‌های نزدیک خانه سیدها و مسجد جامع، میدان کرم و دو میدان دیگر، مسجد جامع، حمام میبد، گورستان سیدها، قنات خارجار و کسنوا، باغ و باغچه‌ها، خانه‌ها و باغ‌ها و دیگر فضاها مانند سرآب که در سند نام برده شده، اجزای کلی و جزئی داخل حصار میبد را نشان می‌دهد. اگر دروازه‌های چهارگانه و خندق را بدان بیافزاییم، ساختار کلی و اجزای این پهنه تاریخی شهری به دست می‌آید. از همسایگی‌های آن مانند میدان و زیارتگاه سیدقنبر و پهنه زیستی بشنیغان چسبیده به حصار شمالی نیز نام برده شده است. بیشتر آنچه گفته شد، امروز موجودند و آن گونه که در این پژوهش نشان داده شد، با تغییراتی در نام‌ها یا ساختار کالبدی می‌توان ردیابی کرد (تصویر ۸).

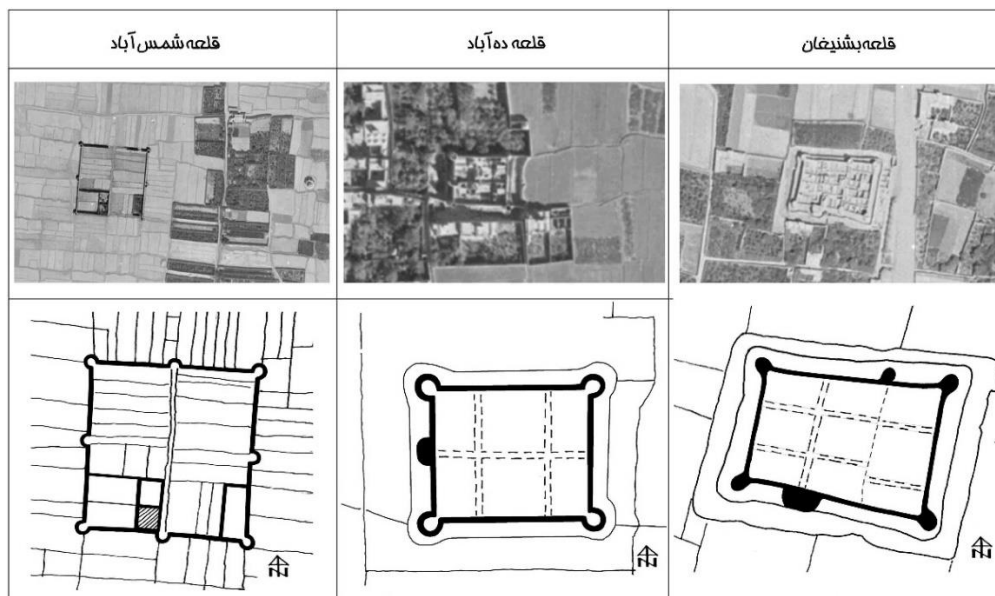


تصویر ۸: جانمایی آثار و اماکن در شارستان میبد و پیرامون آن (عکس هوایی، سازمان نقشه‌برداری، افزوده‌ها از نگارنده).

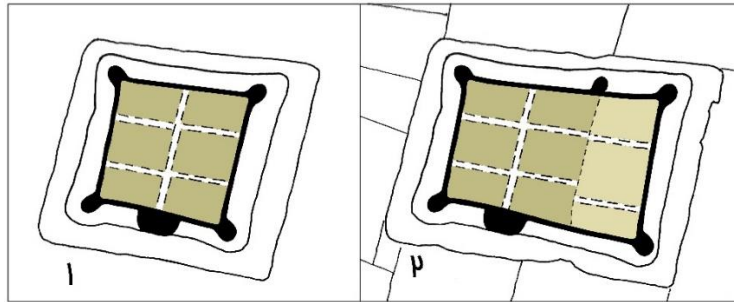
۵-۲- قلعه‌های کشتخوانی و تدافعی - مسکونی

در متن سند به سه قلعه اشاره شده است که با استناد بدان و دیگر اسناد می‌توان به اطلاعات تازه‌ای رسید. دو تا از قلعه‌ها ویران شده بر جای آن‌ها بناهای دیگری ساختند و یکی با دگرگونی‌هایی باقی است (تصویر ۹). «قلعه شمس‌آباد» از گونه قلعه‌هایی به شمار می‌رود که که حصار و برج‌هایی دورادور و مختصر ساخته‌هایی در داخل دارند و در عرصه داخلی آن‌ها کشت و کار هم می‌شود. کشاورزان و آبیاران برای استراحت در آبیاری شبانه از قلعه استفاده می‌کردند. این گونه قلعه‌ها که چهاردیواری محصور، بدون ساز و کار دفاعی مستحکم هستند را می‌توان «قلعه کشتخوانی» نامید. تعدادی از آن‌ها در

کشتخوان‌های میبد باقی است که توسط خان‌های صاحب املاک مسلمان و زرتشتی ساخته شده و خانواده‌های رعیت در آن ساکن و در کشتخوان‌ها زراعت می‌کردند. این الگوی معماری ویژه کشتخوان‌ها بوده و در خدمت زراعت و کشاورزی قرار داشت. امروز می‌توان این آثار را از مصادیق میراث کشاورزی برشمرد. قلعه طرازآباد که مجموعه کشتخوانی متشکل از قلعه، کوشک و اصطبل و زمین کشاورزی است، از این گونه است (راعی، ۱۳۹۵: ۱۳). بفروئی نیز چنین قلعه‌ای داشت. امروز اثری از «قلعه بشنیغان» باقی نیست، باین‌حال با استناد به متن وقف‌نامه و به‌یاری عکس هوایی سال ۱۳۴۲ش و عکسی قدیمی، می‌توان درباره ویژگی‌های معماری آن گفتگو کرد. افشار در دهه ۱۳۴۰ش آن را دیده که قلعه‌ای چهارضلعی با حصار و بارو و نقش‌هایی و برج‌هایی متصل بدان بود و استفاده می‌شد (افشار، ۱۳۴۸: ۸۴) و پیرامون آن را خندق دربر می‌گرفت. به فاصله‌ای از حصار، فصیل در چهارسو کشیده شده بود. عرصه داخل با دو کوچه عرضی و دو کوچه طولی تقسیم‌بندی شده بود. ورودی با دو برج در سوی جنوبی قرار داشت. با وجود اشاره به «اتاق فوقانی» در سند، به‌نظر می‌رسد قلعه دست‌کم در دو اشکوب بود. وقف‌نامه صراحت دارد که قلعه بشنیغان از دو بخش «قلعه جدید» و «قلعه قدیم» تشکیل شده می‌شد. این اشاره هرچند تاریخی به‌دست نمی‌دهد، اما دو دوره معماری را بیان می‌دارد. با توجه به وجود برجی در یک‌سوم ضلع شمالی و جنوبی و انحراف دیوار در همین حدود در ضلع جنوبی، می‌توان گمان برد که قلعه ابتدا با تهرنگ مربع بنیاد یافت (قلعه قدیم) و سپس رو به شرق گسترش یافت (قلعه جدید). از این‌رو در دوره قاجاریه، این دو بخش جدای از هم شناخته می‌شد (تصویر ۱۰). افشار قلعه را دوره قاجار دانسته که بایستی همان دوره توسعه و تعمیر بنا باشد. قلعه ده‌آباد نیز هم‌چون دیگر قلاع، در بیرون آبادی برپا بود و مردم در مواقع خطر بدان پناه می‌جستند و البته به‌طور معمول برخی مالکیت بر اتاق‌های آن داشتند. این قلعه حصار و برج‌هایی در چهار گوشه و ورودی در میانه ضلع غرب ورودی بنا سوی غربی، یعنی رو به ده، داشت. پیرامونش را خندقی در بر می‌گرفت و در لایه بعدی باغات گسترده بودند. از عکس هوایی سال ۱۳۴۲ش می‌توان دریافت که قلعه با یک کوچه اصلی طولی و چهار کوچه عمود بر آن طرح‌ریزی شده بود. بنا به مندرجات وقف‌نامه، قلعه سه اشکوب داشت؛ زیرا از اتاق‌هایی در «طبقه میانی» و «طبقه سیم» گفتگو می‌شود. قلعه‌های بشنیغان و ده‌آباد از گونه قلعه‌های مسکونی و تدافعی است. علاوه بر سکونت دایم، در هنگامه خطر مردم بدان پناه می‌آوردند و دارایی‌های منقول‌شان را در آن نگه می‌داشتند. در بیرون بسیاری از آبادی‌های کهن میبد قلعه‌ها برپا بودند. این گونه قلعه‌ها در مهرجرد، بارجین، محمودآباد، رکن‌آباد، بدرآباد، محمدآباد و مزرعه کلانتر باقی مانده و قلعه‌های شورگ، ... را خراب کرده و بر جای‌شان ساختمان‌های جدید ساختند.



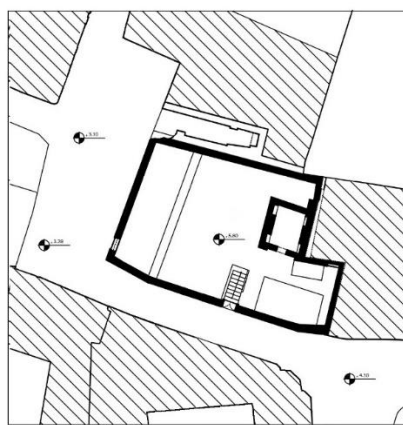
تصویر ۹: قلعه‌های بشنیغان، ده‌آباد و شمس‌آباد. عکس هوایی و کروکی پلان دو دوره قدیم و جدید (عکس‌های هوایی سال ۱۳۴۲ش: سازمان نقشه‌برداری کشور، نقشه‌ها از نگارنده).



تصویر ۱۰: دو دوره معماری قدیم و جدید قلعه بشنیغان، اشاره شده در وقفنامه.

۵-۳- مزار سیدها، نمونه‌ای از گورستان تاریخی درون شهری

گورستان سیدها واقع بر لبه بلندی زمین که پس از آن باغات آغاز می‌شود، حدود ۲۰۰ مترمربع، وسعت دارد و از بیرون همانند یک ساختمان می‌نماید. دلیل بالا بودن کف آن، همانا تدفین در طول زمان و بر روی هم است. به این معنا که هر بار که کف محوطه با گورها پر می‌شد، در تراز بالاتر تدفین را از سر گرفته می‌گرفتند. به همین سبب گورها را به شکل صندوقه‌ای و با خشت می‌ساختند که شامل چهاردیواری مستطیلی و طاق کوتاه چپله‌ای بود و جسد درون آن جای می‌گرفت. گورهای سپرده‌ای از همین معماری برخوردارند. بنا به روایتی، سردابه‌ای نیز زیر این گورستان وجود داشت (نیک‌زر، ۱۳۸۰: ۱۸). در گوشه‌ای اتاقک قرائت قرآن و ادعیه ساخته شده است (تصویر ۱۱ و ۱۲). در این گورستان تنها سادات میبد به خاک می‌رفتند. این تنها گورستان درون شهری میبد به‌شمار می‌رود. این مزار با دیگر گورستان‌های شهر تفاوت دارد؛ زیرا گورستان یگانه‌ای است که در زمینی با مساحت محدود ایجاد شده و در روزگاران متوالی در آن به تدفین با شیوه‌ای خاص می‌پرداختند. هرچند امروز گورهای لایه رویی را می‌توان مشاهده کرد، اما در آینده گمانه‌های باستان‌شناسی می‌تواند لایه‌های تاریخی زیرین را آشکار سازد. گورستان‌های قدیم میبد به‌خوبی شناخته شده هستند. هر آبادی گورستان جدایی در خارج بافت مسکونی داشت. سه گورستان در خارج از حصار میبد وجود داشت؛ یکی در عرصه جنوب نارین‌قلعه که به سلطان رشید شهرت دارد و با خیابان دونیم شده و زیرساخت و سازه‌ای شهری رفته است، یکی کنار رباط شاه‌عباسی که خیابان آن را دونیم کرده و آثار گورها و بنایی از آن پیداست، سه دیگر گورستان سیدقبر است که بیرون دروازه شمالی قرار داشت و اینک در عرصه میدان (حسینیه) قرار دارد. جز داخل حصار میبد، جای دیگری در محدوده داخل حصار گورستانی ندارد و اگر بوده، در طول تاریخ تداوم نیافت. شاید بتوان این گمان را مطرح کرد که از ابتدایی که تدفین در این مکان صورت گرفته، در خارج از حصار قرار داشته و سپس در جریان توسعه تاریخی داخل بافت محله واقع شد و با تدفین اختصاصی برای ساداتی که پیرامون آن می‌زیستند، بدون این که جابجایی پدید آید، کارکرد آن ادامه یافت.



میبد - مزار سیدها

تصویر ۱۱ و ۱۲: گورستان سیدهای میبد بالا. پلان و تصویر (منبع عکس: پایگاه پژوهشی شهر میبد، حزینی، ۱۳۹۷).

۵-۴- باغ در میبد داخل حصار

مقصود از باغ در اینجا باغ رسمی طرح‌اندازی شده نیست، بلکه باغ و باغچه میوه موردنظر است که گاه برخی در کنار خود خانه و بالاخانه‌ای نیز داشتند. باغات داخل حصار وسعت چندانی ندارند و هر یک مساحت تقریبی نزدیک به یک واحد مسکونی دارند. دلیل آن محدود بودن زمین و تقسیم ارث می‌تواند باشد. همین نحوه تقسیم‌بندی اراضی باغی و مسکونی و مسیر آب و کوچه در میان آن‌ها، تعیین‌کننده چیدمان قطعات برای توسعه درون‌زا در طول زمان محسوب می‌شد. در صورت نیاز قطعات باغی، با رعایت خط و خطوط مالکیت‌ها و سهم آب، به مسکونی تبدیل می‌شد. بنا به تحقیق مردم‌شناسانه جانب‌اللہی، باغات داخل بافت محله‌ها در تقسیم سهم ارث به دختران می‌رسید و با کاربری باغ باقی می‌ماند و قطعات دیگر برای ساخت خانه برای پسران به کار می‌رفت (جانب‌اللہی، ۱۳۸۳). هرچند بسیاری از باغات در چند دهه اخیر ساخته شده‌اند، اما رد باغات پیداست (تصویر ۱۳ و ۱۴). آن گونه که در ساختار کالبدی اجزای شهر دیده می‌شود، محله‌های کهن میبد در دامنه باغ‌های پایین دست توسعه می‌یافتند (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۸۳).

باغات موقوفی و دیگر باغات که در محدوده داخل حصار میبد (محله بالا) قرار می‌گیرند، درجایی واقع شده‌اند که توپوگرافی زمین با خط ممتد افتادگی زمین تغییر می‌کند. به این نحو که شیب تراز زمین کم می‌شود و امکان سوار کردن آب قنات به وجود می‌آید، به همین دلیل است که آب خارجار رو می‌آید و در جوی جریان پیدا می‌کند؛ باغات در همین موضع پدیدار می‌شوند. با بهره‌گیری از این تغییر توپوگرافی و جریان آب، به تدریج و در طول زمان، دو گونه بافت محله‌ای به وجود آمد. بافت متراکم با بناهای چسبیده به هم و گودال باغچه‌ای در بخش جنوبی و بافت با تراکم کم و الگوی خانه‌باغی در بخش شمالی شکل گرفت.



تصویر ۱۳ و ۱۴: آثار و اماکن و باغات پیرامون مسجد جامع، اشاره‌شده در وقف‌نامه. سال ۱۳۴۲ش (چپ) و ۱۴۰۴ش (راست) (منبع: سازمان نقشه‌برداری کشور و Google Earth 2024).

۵-۵- باغ کاج و یخدان

در دو متن دنبال هم وقف‌نامه که تا حدودی تکرار یکدیگرند، به «باغ کاج» و «یخدان» و «آب اردکان» و «آب باغستان» اشاره‌شده و بدین شرح نگارش شده است:

«و تمامی یک‌درب باغ واقع در طرف غربی اول یخدان در وقت دخول / از طرف میبد که آب اردکان از آن بیرون می‌آید و داخل کوچه می‌شود و مشهور به باغ کاج که طرفین آن به‌شارع است و حدی افتاده و حدی ملک.»

«و تمامی یک‌درب باغ واقع در اول یخدان میبد که اول باغ یخدان طرف دست راست / وقت [؟] که وقت داخل شدن از طرف میبد در طرف غربی واقع است، مشهور به باغ کاج که آب باغستان از آن بیرون آید و داخل کوچه می‌شود.»

جدای از تفاوت در نگارش متن، درمجموع معلوم می‌شود که باغ کاج، هنگام ورود از میبد در ابتدای یخدان (عرصه جنوبی)، دست غربی واقع شده بود. یخدان مورد اشاره قریه یخدان است. متن بالایی اشاره به این دارد که آب اردکان از آن بیرون می‌آید و متن پایین از بیرون آمدن آب باغستان می‌گوید. این دوگانگی نام ناشی از چیست؟ با نگاه به رشته‌های قناتی که از میبد عبور می‌کنند، «آب باغستان اردکان» نیز وجود دارد. تنظیم‌کننده متن یک‌بار اردکان نوشته و یک‌بار باغستان؛ بنابراین، هر دو به یک رشته قنات اشاره دارد. همچنین بنای «آسیاب باغستان» در آبادی یخدان وجود داشت که از قدیم با آب باغستان می‌گشت و تا سال ۱۳۶۲ ش کار می‌کرد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۹، ۸۱). با توجه به اظهار متولی وقف‌نامه (امام کنونی مسجد جامع)، رقبه مورد اشاره، امروز خانه‌ای در کوچه کنار کبابی نمونه است که در قدیم باغ کاج نامیده می‌شد. بنا به اظهار ساکنان پیشین، دست کم دو رشته قنات از اینجا می‌گذشت و خانه از آن برخوردار می‌شد؛ بنابراین همان سهم آب متعلق به باغ است که حفظ شده بود.

۵-۶- آب و تقسیمات آن

بخشی از سهام بسیاری از قنات‌های میبد وقفی است که به دو صورت وقف خاص و وقف عام در می‌آمد. از وقف عام، عامه مردم بهره‌مند می‌شدند و در این صورت متولی یا مستأجر در ازای استفاده بایستی به شرایط واقف عمل کند. وقف خاص ویژه اولاد بود (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹، ۱۷۶). در وقف‌نامه محمد الحسینی و قنات برای مساجد، حمام‌ها، روضه‌خوانی و تدفین در مشاهد در نظر گرفته شد. در متن سند، علاوه بر «قنات»، «آب» و «مياه» که به یک معنا به کار رفته است. برخی متعلقات وابسته به قنات، مانند سرآب، سرحوض، مشرب، منابع، مجاری، اراضی تابعه، متعلقات شرعیه و عرفیه، قدرالحصه نیز خوانده می‌شود.

نظام تقسیم‌بندی آب در میبد بر دو گونه است؛ طاق‌بندی و میرابی (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۷۷). «مجارى» جمع مجرا، محل جاری شدن آب یا همان جوی است. وقتی صحبت از منابع و مجاری و اراضی تابعه می‌شود، به این معناست که قنات از نوع طاق‌بندی است، چه وقفی و چه ملکی. در این نظام، مالکیت آب از زمین جدا نیست و زمین و محصولات آن جزء متعلقات آب به‌شمار می‌رود. همچنین مجاری و منابع آن همین حکم را دارد. این متفاوت از قنات‌های میرابی است که زمین جدای از آب است و مجرا و ممر آب معامله می‌شود نه خود آب و زمین (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۹۲-۱۹۳).

همچنین به واژگان مربوط به تقسیم‌بندی آب قنات نیز اشاره رفته است؛ مانند طسوج، جرّه، طشته چهاردنگی، طاق، مدار. «جرّه» به معنای کوزه و سبو و در اصطلاح تقسیمات آب، به سهم آب گفته می‌شود که از نظر زمانی برابر با ۷/۵ تا ۱۲ دقیقه است؛ و «طشته» یا طشت و سبو هم به جای آن به کار می‌رود. با جام کوچک مسی که سوراخی ته آن دارد، اندازه‌گیری زمان صورت می‌گرفت (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۰۴ و ۲۰۷). طشت بر دو نوع است، چهار دنگی ۷/۵ دقیقه و شش دنگی ۱۱ دقیقه (سمسار یزدی، ۱۳۸۹: ۲۳). در نظام «طاق»‌بندی، هر شبانه‌روز به دو طاق تقسیم می‌شود؛ از طلوع تا غروب طاق روز و از غرب تا طلوع طاق شب (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۰۳). «مدار» یا دور، مجموعه گردش آب را گویند. یک گردش کامل آب که در قنات‌ها متغیر است (صفی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۰۵). هر سهم آبی زمانی نوبت آبیاری بعدی را دریافت می‌کرد که مدار قنات طی شود. مطابق وقف‌نامه، شمس‌آباد از قرار مدار دوازده روز شبان، کسنویه از قرار مدار ده روز شبان، خارجار از قرار مدار هشت روز شبان است. اصطلاح «راه پا» که با ترکیب «شارع و راه پا» و «راه پای قبرستان» در سند به کار رفته، با راه آب در ارتباط است، به این معنا که هر جا راه آب است، راه پا نیز هست که مسیر آبیاری و معبر دسترسی و کوچه است (پویا، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

۶- تحلیل: وقفنامه دستمایه‌ای برای پژوهش در تاریخ معماری و شهر

هرچند این پژوهش در زمره تک‌نگاری (سند وقفنامه‌ای درباره شهر میبد) به‌شمار می‌رود، اما داده‌هایی به‌دست‌آمده و نتایجی از آن حاصل‌شده که فرازاها و نحوه بررسی و تحلیل صورت گرفته می‌تواند قابل‌تعمیم به اسناد و شهرهای دیگر باشد. جز آنچه در بخش‌های پیشین در ذیل یافته‌ها و سپس بررسی یافته‌ها موردبحث قرار گرفت، نشان داد که وقفنامه‌ها در جایگاه منبع تاریخ معماری و شهر از ظرفیت‌هایی چند برخوردارند.

۶-۱- تعاملات انسانی و توسعه تاریخی شهر

با استناد به وقفنامه بررسی‌شده، می‌توان به برخی نکات و مفاهیم بااهمیت در ارتباط با این‌گونه اسناد و پژوهش معماری و شهرشناسی تاریخی پرداخت. مکتوبات وقفنامه‌ای در جایگاه سند تاریخ معماری و شهر دربردارنده میزانی از داده‌های پیدا پنهان هستند که می‌تواند بخشی از کمبودها و خلأها در ارتباط با شناخت بناها و شهرها و روستاها و تعامل انسان و محیط را در اعصار تاریخ نشان دهد. از این‌رو که اسنادی حقوقی و مالکیتی محسوب می‌شوند، وضع محیط گذشته را به‌دوراز دخل و تصرفات ناشی از تمایلات شخصی یا گروهی بیان می‌دارند؛ بنابراین از دیدگاه تحقیق تاریخی، قابل‌اتکا در ذکر نشانی‌ها، نام اماکن و اشخاص، دانش‌واژگان جاری در زمان خود هستند. در همین پژوهش نشان داده شد که از ورای اشارات تاریخ‌نامه‌ها و دیگر اسناد، اطلاعات و آگاهی تازه‌ای درباره بناها و اجزای شهری در متن وقفنامه یافت می‌شود که با درهم آمیختن مطالعات میدانی و یافتن شواهد در محیط شهری، می‌توان روشنایی بیشتری به سیمای منظر شهری تاباند و تاریخ معماری را به‌مثابه آثار معماری را واضح‌تر کرد و ابعادی از شهر را از دیدگاه شهروندان نمایاند.

در این پژوهش، وقفنامه به‌منزله منبع تاریخ معماری و شهر پنداشته شد و از این منظر موردبررسی قرار گرفت. بررسی وقفنامه ۱۲۶۹ق امام مسجد جامع میبد، نشان می‌دهد که از دو وجه کالبدی و فضایی و اجتماعی و انسانی می‌توان به تاریخ معماری و شهر پرداخت. هر دو ویژگی در پیوند باهم شهر را معنا بخشیده و در نتیجه تصویر واقعی‌تری ارائه می‌شود. ساخت و نحوه نگهداری و پشتیبانی از بناها و فضاهای شهری، به‌ویژه اماکن عمومی و مذهبی از منظر تعاملات انسانی که در پس اهداف واقف نهفته است، اهمیت آن از بازشناسی معماری و شهر کم‌تر نیست، بلکه وجه کم‌تر دیده‌شده توسعه و مدیریت شهر تاریخی را می‌نمایاند؛ به‌طوری‌که معلوم می‌شود مردم متوسط از نظر اقتصادی، در گردش امور شهر و توسعه‌بخشی بدان نقش ایفا می‌کردند و سرمایه‌های در گردش ناشی از املاک و آب و کشاورزی موجب رونق و پویایی جامعه شهری می‌شد. ضمناً فضاها و اماکن با کارکردها و نقشی که در حیات اجتماعی ایفا می‌کردند شناخته می‌شدند و بدان‌ها توجه می‌شد. از این‌رو خیران برای اموری مانند روضه‌خوانی، اعیاد و سوگواری‌های مذهبی یا اطعام هزینه‌هایی را در نظر می‌گرفتند. روضه‌خوانی در میدان سیدقنبر، میدان کرم و دیگر میادین از نمونه‌های ذکرشده در وقفنامه است.

۶-۲- تصویر ذهنی شهروندان از شهر به استناد وقفنامه

وقفنامه سندی حقوقی است که به مقصود خیریه تهیه و تدوین‌شده است، اما با دقت شدن در محتوای آن می‌توان فهمید که به نحوی رابطه میان مردم و محیط زندگی‌شان را در گرداندن امور عمومی و خانوادگی نشان می‌دهد و بر بستری از اعتقادات و مدنیت جریان دارد. با مطالعه وقفنامه پیش رو، تصویری از شهر به‌دست‌آمده که مردم شهر در زمانه خود در آن می‌زیستند و آن را درک می‌کردند. این پرسش که مردم از شهر چه در ذهن داشتند و آن را چگونه تصور می‌کردند؟ پاسخ درخوری می‌طلبد که با تحلیل متن وقفنامه می‌توان درباره آن گفتگو کرد. آنچه امروز از شهر و محیط و اجزای آن می‌شناسیم در تطابق با آنچه گذشتگان در ذهن داشتند، شاید بتواند بخشی از نادانسته‌ها را کامل کند.

در بخش پیشین، درباره ساختار شهر میبد از منظر این سند بحث شد و برخی نکات تازه که شهر را معنا می‌کرد، معرفی شد. مثلاً این که تفکیک بین شهر داخل حصار و بیرون حصار وجود داشت و در نشانی‌دهی به این موضوع توجه می‌شد. از قنات خارجار میبد و میاه کسنویه میبد و سرخوض بازار میبد نام برده شده که منظور تعلق آن‌ها به داخل حصار (شارستان) است و میاه شمس‌آباد قرب میبد و قلعه ده‌آباد، آب اردکان / باغستان و دیگر موارد که خارج از حصار قرار دارند و پسوند یا

نسبت مکانی میباید نداشتند. مسجد جامع که امروز در محدوده محله پایین شناخته می‌شود، در گذشته هر دو محله بالا و پایین، میباید بالا نامیده می‌شد و در تحقیقات شفاهی نیز می‌توان این موضوع را گاهی در کلام باشندگان معمر شهر شنید.

۶-۳- نکات قابل احصاء

بسته به این که گستره جغرافیایی و محیطی متن وقف‌نامه چیست، می‌توان به داده‌ها و نتایج گوناگونی در حوزه تاریخ معماری و شهر بهره‌برداری کرد. وقف‌نامه موردنظر این مقاله از گستردگی نسبی در مقیاس شهر برخوردار است و امکان کشاندن موضوعات و تعمیق نتایج در حیطه بزرگ‌تری برخوردار است. برخی وقف‌نامه‌ها مانند جامع‌الخیرات از سده هشتم هجری یا وقف‌نامه دولت‌آباد از سده سیزدهم هجری، آثار شهرها و مناطقی چند را دربر می‌گیرند و امکان گسترده‌ای مکانی در مقیاسی وسیع‌تر را دارند. با استناد به وقف‌نامه بررسی‌شده، حیطه‌های چندی را می‌توان مطرح کرد.

اثر یا مجموعه آثار معماری، موضوع قابل اشاره‌ای است که یا تازگی دارد یا پیش‌تر شناخته شده‌اند و ممکن است نکته تازه‌ای از آن‌ها مطرح‌شده باشد. گاه اطلاعات تازه‌ای در پی ندارد و تکرار و تأیید بر شناخته‌های پیشین است. مساجد میباید، کوچه و بستیغان که از نامی از آن‌ها برده شده، اطلاعات تازه‌ای از آن‌ها به‌دست داده نمی‌شود، اما درباره بازار و قلعه‌هایی که امروز آثاری از آن‌ها نیست، جزئیات تازه‌ای گفته شده است. گاه تاریخ‌گذاری یا دوره‌بندی ساختمانی نیز در زمره اطلاعات جدید است که در این وقف‌نامه به قلعه جدید و قدیم بشنیعان اشاره شده و مردم در آن زمان به‌این نحو بخش‌های کلان قلعه را می‌شناختند. از دل اشاراتی که به آثار وجود دارد، امکان طرح موضوعی یا گونه‌بندی بناها وجود دارد. آب موضوعی است که به‌طور متواتر در ذیل نام بردن از قنات‌ها، اجزای آن‌ها و تقسیمات آب به‌چشم می‌آید. یا قلعه‌هایی که نام برده شده، همه از گونه کشتخوانی یا کشاورزی است و می‌توان به نحوه استفاده، مالکیت‌ها و دیگر موارد پی برد.

جز نام جای‌ها که در شناخت معماری و شهر در بررسی اسناد کلیدواژه به‌شمار می‌رود، دانش‌واژگان نیز اهمیت دارد؛ زیرا فرهنگ واژگانی مورد استفاده گذشته را نزد مردم بیان می‌کند. این وقف‌نامه نشان می‌دهد که نام بسیاری از اماکن شهر از میانه سده سیزدهم تاکنون (حدود ۱۵۰ سال) پایدار مانده و شاید با اسناد دیگری شاید بتوان اثبات کرد که پایداری بیشتری نیز داشته‌اند. در همین حال نام جای‌هایی نیز خوانده شده که امروز شناخته شده نیستند؛ مانند میدان کریم کبیر و میدان حاجی صفری. واژگانی مانند کُلم، طسوج، جرّه، طشته چهاردنگی، طاق، مدار و سهم میبیدی که در حوزه مهندسی و دانش آب است و پیش‌ازین درباره معنای آن‌ها توضیح داده شد. واژه‌ای مانند «راه پا» که کوچه و گذر رسمی نیست، اما اشاره به محل عبور و مرور دارد را می‌توان جزء دانش‌واژگان برشمرد.

۷- نتیجه‌گیری

اسناد تاریخی نظیر وقف‌نامه از این‌روی که وقایع‌نگاری نیست و ملاحظه‌ای در بیان مطالبش وجود ندارد، در آن خطا و ناراستی کم‌تر راه می‌یابد. این اسناد در بایگانی‌های اوقاف یا نزد اشخاص و خانواده‌ها نگهداری می‌شود و خوانش و انتشار آن‌ها، شناخت بیشتر تاریخ شهر و معماری و آبادانی را در پی دارد. در منطقه یزد وقف‌نامه‌های مشهوری به‌جامانده که شایسته تحقیق درباره توسعه شهرهاست.

استفاده از ظرفیت وقف‌نامه در جایگاه سند تاریخ معماری شهر، از نتایج به‌دست‌آمده در این مقاله است. محققانی چند به این موضوع توجه نشان داده‌اند که در پیشینه ذکر شد، اما اسناد فراوانی از این‌دست وجود دارد که شایسته توجه است و بخشی از خلأ موجود در حیطه منابع مکتوب را می‌تواند پر کند. وقف‌نامه محمدالحسینی میبیدی که مورخ ۱۲۶۹ق، هم‌زمان سال‌های نخست پادشاهی ناصرالدین شاه نوشته شد، حاوی نکاتی چند درباره اماکن و آثار معماری و شهری است. در ارتباط با پرسش نخست، شهر داخل حصار و مصادیقی از قریه‌ها، قنات‌ها، باغ‌ها، خانه‌ها، قلعه‌ها و گورستان‌ها، بازارچه‌ها و دیگر موارد در این سند به اشاره یا تلویح وجود دارد. با جمع‌بندی اماکن و آثار نام برده شده، می‌توان به بازشناسی بخشی از سازمان فضایی شهر میبید، شامل پهنه شهرستان، به مرکز داخل حصار شارستان و آبادی‌ها (بیرونه‌ها)ی منفصل و باغات و رشته‌های قنات است، پی بُرد. درباره پرسش دوم، اطلاعات جدیدی درباره ساختار معماری و کارکرد برخی آثار معماری

مانند قلعه‌های کشتخوانی و مسکونی - دفاعی (شمس‌آباد، بشنیغان و ده‌آباد)، به‌دست می‌آید، درحالی‌که دوتایشان از بین رفته‌اند. معرفی الگوی متفاوتی از گورستان درون‌شهری هم با اشاره وقف‌نامه خوانده می‌شود. نحوه تعامل شهروندان متمول شهری در ارتباط با نگهداری ساختمان‌های عمومی و خیریه و پشتیبانی از آیین‌ها یا امور مردم قابل‌ذکر است. در وقف‌نامه ۱۲۶۹ق، به برخی آثار اشاره‌شده که در وقف‌نامه حاجی رجبعلی، مورخ ۱۲۴۷ق نیز بررسی‌شده بود و تلاش شد از تکرار آن‌ها پرهیز شود؛ اما در لایه‌ای دیگر، سند حاضر حاوی اطلاعات و نتایج دیگری است که زوایای جدیدی از تاریخ شهر و معماری را در مرحله تحلیلی خوانش متن می‌نمایاند. این که مردم در جایگاه شهروند و باشند شهر میبد چه تصویری در ذهن داشتند و آن را متصور می‌شدند که بخشی از آن در نگارش وقف‌نامه تجلی‌یافته است. موضوع مهم دیگر، مشارکت جُستن مردم طبقه متوسط در توسعه تاریخی و نگهداری شهر و فضاها و بناهای عمومی شهری است که با اتکای به سرمایه‌ها و املاک خویش رقم می‌زدند.

تعیین مکان دقیق برخی فضاها مانند باغچه‌ها، به سبب تغییرات به وجود آمده، آسان نیست. ازجمله موضوعاتی که در اسناد وقف‌نامه‌ای قابل‌احصاست، شناخت نام خاندان‌ها و خانواده‌های میبد است که بر اساس تقسیمات محله‌ای و آبادی‌ها می‌زیستند. این نام‌ها همراه با مکان و مالکیت آن‌ها نظیر خانه و باغ و حاشیه‌نوشته‌های سند به‌چشم می‌خورد. وقف‌نامه‌های دیگری هم از دوره قاجار باقی مانده که می‌تواند در جایگاه منبع تاریخ شهر و معماری، ابعادی از شهر را در روزگار گذشته را نشان دهد در سند مکتوب یا تاریخ‌نامه دیگری موجود نباشد. انتشار آن‌ها در آینده می‌تواند مفید و مکمل تحقیق پیش‌رو باشد.

منابع

- آزموده، بهنام محزون و سروقدمقدم، عبدالرضا. (۲۰۱۲). مطالعه عملکردی روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در بهینه‌یابی گزینه‌های بهسازی ساختمان‌های مصالح بنایی غیرمسلح، نشریه مهندسی عمران، سال ۲۱، ش ۱، ۴۷-۶۴.
- اسفنجاری کناری، عیسی. (۱۳۸۵). شالوده کهن شهر میبد. در میبد شهری که هست. جلد نخست، به‌کوشش عیسی اسفنجاری کناری. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. ص ۸۹-۱۵.
- افشار، ایرج. (۱۳۴۸). یادگارهای یزد. جلد اول. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- ایواتاکه، اکیو. (۱۳۸۴). موقوفات یکی از امرای تیموری (موقوفات امیرچقماق در یزد). برگردان سیدمحمد مهدی هاشمی. وقف میراث جاویدان. ش ۴۹. ص ۳۴-۴۹.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۷۹). آسیاب‌هایی که با قنات کار می‌کنند. قنات - گزیده مقالات. یزد: شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد. صص ۷۳-۸۹.
- پویا، عبدالعظیم. ۱۳۹۵. سیمای باستانی میبد؛ بررسی تاریخی سازواره و ساخت یک شهر کویری. چاپ دوم، میبد: دانشگاه آیت‌الله حائری.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۶۹). شیوه‌های معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: مؤسسه نشر هنر اسلامی بنیاد مستضعفان و جانبازان.
- جانب‌اللهی، محمد سعید. (۱۳۸۳). چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد؛ دفتر اول فرهنگ و فناوری قنات. تهران: روشنان.
- حیدریه‌زاده، محمود. (۱۳۵۷). بلوک میبد. تهران: چکیده.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار. (۱۳۴۱). جامع‌الخیرات (وقف‌نامه سیدرکن‌الدین). فرهنگ ایران‌زمین، ش ۹، ص ۶۸-۲۲۷.
- راعی، حسین. (۱۳۹۵). مزارع مسکون تاریخی در ایران از آغاز تا دوره صفویه. اثر، ش ۷۴. ص ۳-۲۲.
- سمسار یزدی، علی‌اصغر و همکاران. (۱۳۸۹). تدوین تجربیات خبرگان قنات. چاپ دوم، تهران: شرکت مدیریت منابع آب ایران.

- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۷۹). نظام تقسیم و حسابرسی و خریدوفروش در آبیاری سنتی میبد. قنات - گزیده مقالات. یزد: شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد. صص ۱۶۹-۲۰۹.
- صدوقی، محمد. (۱۳۷۷ق). رونوشت وقف‌نامه روضه محمدیه مشهور به حظیره ملا. یزد: گلبهار یزد.
- طراز، عبدالوهاب. (۱۳۴۱). کتابچه موقوفات یزد. به کوشش ایرج افشار. فرهنگ ایران‌زمین، جلد دهم. تهران.
- عرفان‌فر، محمدجواد. (۱۳۸۳). حیات جاوید؛ مجموعه اسناد موقوفات شهرستان میبد. جلد اول. قم: نسیم کوثر.
- فلاح، علیرضا. (۱۳۸۰). نظری/اجمالی بر آبادی‌های بیرونی شهرستان قدیم میبد. میبد: پروژه محور فرهنگی تاریخی میبد (منتشر نشده).
- فلاح، علیرضا. (۱۳۹۱). ساختارهای دفاعی و مورفولوژی در بیرونه‌های/ارگ میبد. یزد: امیر سیدعلیزاده.
- قیومی بیدهندی، مهرداد و محدثه نظیف‌کار. (۱۳۹۷). دو سند درباره معماری حمام‌های روستایی استرآباد/نر، ش ۸۰، بهار. صص ۸۰-۸۸.
- کشاورز، محسن. (۱۳۸۰). نظری/اجمالی به مساجد تاریخی میبد. میبد: پایگاه پژوهشی میبد (منتشر نشده).
- کیهان، روزنامه. (۲۳ آذر ۱۳۷۲). بنای یک مجموعه باستانی متعلق به قرن ششم در میبد نابود شد. شماره ۱۴۹۴۱، ص ۱۹.
- مستوفی بافقی، محمدمفید. (۱۳۴۰). جامع مفیدی. جلد ۳، بخش ۱. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. (۱۳۸۵). مجموعه کهن مسجد جمعه میبد. میبد شهری که هست. جلد نخست، به کوشش عیسی اسفنجاری کناری. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. صص ۹۱-۱۳۲.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. (۱۳۹۹). بازخوانی وقف‌نامه حاجی رجبعلی بر مسجد جامع میبد، از دریچه تاریخ معماری. معماری/اقلیم گرم و خشک، ش ۱۱، بهار و تابستان. صص ۱-۲۴.
- نیک‌زر، احمدعلی. ۱۳۸۰. وادی خاموشان؛ گذری بر گورستان‌های قدیم میبد. میبد: پایگاه پژوهشی (منتشر نشده).
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۲۵۳۶). وقف‌نامه ربع رشیدی. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.

Original Research Article

Reading the endowment Deed Dated 1269 AH of the Imam of the Meybod Jume Mosque, from the perspective of the history of the city and architecture

Zatollah Nikzad^{1*}

1. Associate Professor, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran. Iran



10.22034/ahdc.2026.24327.1910

Received:
February 13, 2026

Accepted:
May 27, 2026

Keywords:
endowment deed,
Architectural
History, History of
City, Meybod, Qajar
Period.

Abstract

Throughout history, the city of Meybod has left behind many urban and architectural monuments and evidence, which are considered a significant example for understanding the heritage of Iranian life in the desert plain. Despite the importance of this city, there have been few references to it in historical books. With this explanation, unpublished written historical documents can be a guide to clarifying the city's past and understanding historical monuments. In this study, an endowment deed written by the Imam of the Meybod Jume Mosque in 1269 AH, dedicating his properties to public and religious works, is introduced and re-examined; by raising the question of what monuments and places in Meybod does the text of Mohammad al-Husseini's endowment deed refer to and what new points does it raise in understanding this city? With the aim of analyzing the endowment deed as a historical document of the city and architecture. Considering that the subject is related to the past and requires scrutiny and analysis, the research was carried out using the "historical-analytical method". While reading the text of the document, and counting the types of architectural works such as mosques, castles, houses and other spaces, it became clear that works such as the city within the fortification, quarters, villages (Rabaz), garden areas and qanat can provide a picture of the city of Meybod in the Qajar period, which is understood with the city center and rabaz, garden areas and qanat. Also, new information is obtained from some of the lost works such as the Bashnigan Castle. And it turns out that the circulation of public charitable buildings was supported by relying on public capital and the ancient endowment deed organization and is considered one of the reasons for the continued dynamic life of urban innovations throughout the civil history of Iran.

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

